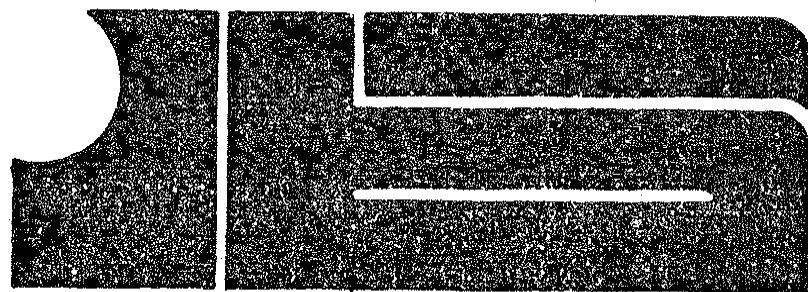


با تمام توان خود مساهمت  
اربعای جنگ را افشا و با  
مقاومت مسلحانه خود از منافع  
زحمتکشان دفاع کنیم



کارگران و زحمتکشان  
متحد شوید

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

سال دوم - شماره ۸۲

پنجشنبه ۸ آبانماه ۱۳۵۹

۱۶ صفحه - ۲۰ ریال

### ● سرمقاله

## “مسئله گروگانها” وبازسازی سیاست خارجی

اکنون درحالیکه قریب به یکسال از سال گروگانها می گذرد، برخلاف خواست و اراده توده های خلق، حاکمیت درصدد آزاد کردن آنهاست در این یکسال مسئله گروگانها، تنها مسأله زندانی شدن عده ای دیپلمات آمریکائی نبوده است، بلکه موضوعی بود که بر بسیاری از تغییر و تحولات سیاسی میهنمان و نیز سیاست خارجی حاکمیت تاثیر داشته است.

نگاهی هر چند گذرا و اجمالی بر این تاثیرات و بررسی ارتباط مسئله “گروگانها” با سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، چیزی است که که ما در اینجا بدان خواهیم پرداخت.

۱- مسئله “گروگانها” در چه شرایطی آغاز شد و چه تاثیراتی بر اوضاع سیاسی جامعه داشته است؟ مسئله “گروگانها” هنگامی آغاز شد که بحران سیاسی و اقتصادی حاکم بر جامعه مان هر روز برداشته تر و گسترده تر میشد. نارضایتی مردم بندریج نصح گرفته و جنبشهای اعتراضی توده ها آهسته آهسته قدرت می یافت. جنبش مقاومت مسلحانه خلق کرد که حاکمیت کوششهای فراوانی برای درهم شکستن آن بکار برده بود، همچنان پایداری نمود و پیش می ناخت. بر جنبش زمینه های نیروها و سازمانهای انقلابی و مترقی بقیه در صفحه ۲

### سیاستهای اقتصادی

### حزب جمهوری اسلامی

### دفاع از منافع سرمایه داران

صفحه ۵

### جنگ زرگری

### حزب توده و

### “کمیته مرکزی”

صفحه ۴

## “جنگ کنونی و مسئله اعتبارات جنگی”

آن کشور به مسئله حادی تبدیل شد. لاسال و طرفداران وی به اعتبارات جنگی رای موافق دادند و بیل و لیگنشت به آن رای منفی دادند و بهمین دلیل توسط دولت بیسمارک دستگیر و زندانی شدند.

بقیه در صفحه ۱۲

بروزیک سلسله مشاجرات جدی گشته است. در سال ۱۸۷۵ در جنگ بین فرانسه و پروس که جنگی بود تجاوز گرانه از جانب فرانسه و “تدافعی” از جانب آلمان رای دادن به اعتبارات جنگی دولت بیسمارک در پارلمان

مسئله اعتبارات جنگی و چگونه برخورد مارکسیستها با آن همواره از اهمیت خاصی برخوردار بوده است. و در جنگ های مختلف موجب

### ● رژیم جنایتکار عراق ماهیت ضد خلقی خود را

### عربان ترمی کند.

اکنون با گذشت چند هفته از آغاز جنگ دولت های ایران و عراق ماهیت جنایتکارانه و ارتجاعی این جنگ، پس از شناسایی

بقیه در صفحه ۷

ویران کردن خانه و زندگی استواری اروده های مردم. ماهیت ضد خلقی و خیره کننده خود را برای توده های رحمکن هردو کشور ایران و عراق عربان ترساج.

در ادامه در روز چهارم آبانماه رژیم ضد خلقی و جنایتکار عراق با حمله موسیقی به در فول و کساردهها بفرار از توده های بدفعا و رحمکن مسین مسا و

## گرامی باد ۱۳ آبان سالروز مبارزات قهرمانانه دانش آموزان ایران

روز ۱۳ آبان یادآور خاطره بکوهمند مبارزات قهرمانانه دانش آموزان ایران است.

فریاد بیخرویی ملت ایران در آموزد سرسرای ایران، که مرتکبانه هیچ گرفته و ارنوب و نانک دمنی خلق هر آسای بدل راه نمی دادند، شب روزم شاه را بطرره در آورده و زحمتکشان مسین مان را شور و شوقی تازه بخشد. دانش آموزان این منجه های سرسرای آبان در این روز تاریخی آنجنگان حماسه ای ارفداکاری آفریدند که برای همیشه بعنوان سرگی زرین در تاریخ مبارزات دانش آموزان مسین مان ثبت خواهد شد.

دانش آموزان که نیروئی قریب به نه میلیون نفر را تشکیل میدهند با مبارزه جوش بخش آورنده ای در سرنگوی بقیه در صفحه ۱۱

### خلع سلاح توده ها در هنگام جنگ

صفحه ۱۲

### چهره واقعی مدعیان عادل اسلامی

صفحه ۱۰

### ● در این شماره :

● اخبار کارگری

● اخبار جنگ خوزستان

● جنگ و حمله های سرمایه داران

● دشمنی هیئت حاکمه با ...

تنها تسلیح توده ها در شوراهای انقلابی تحت رهبری نیروهای انقلابی ضامن مقابله با هرگونه تجاوز، و برقراری صلح است

بقیه از صفحه ۱

فادر بودن ارتباط های توده های خود را گسترش داده و سرعت بهوزنه های سیاسی در تحولات اجتماعی آینده تبدیل گردند.

گروگانگیری تاثیرات دوگانه و متضادی را بر اوضاع سیاسی جامعه گذاشت. این امر از یکسو به حاکمیت این فرصت را داد که به بهانه "مبارزات ضد امپریالیستی" جنبش اعتراضی طبقه کارگر و بطور کلی جنبش توده های راسرکوب کرده یورش به نیروهای پیشرو و انقلابی را جهت ایزوله و جدا کردن آنها از توده های مردم را تشدید کرده و از سوی دیگر، عملا وضعیت منتهی را پدید آورد که از نظر رشد جنبش ضد امپریالیستی و از نظر سطح آگاهی سیاسی و طبقاتی توده ها، فضایی مساعدی برای فعالیت نیروهای انقلابی بشمار میرفت. بنابراین از یکسو مسئله "گروگانها" شرایطی را بوجود آورد که در آن حاکمیت تحت بهانه "ضرورت های مبارزه با آمریکا" سعی کرد تا امکانات دموکراتیک را هر چه بیشتر محدود و تسخیر نمود و زمینه را از نظر سیاسی برای غیرقانونی کردن جریانهای مترقی و انقلابی فراهم نماید. و از سوی دیگر برخلاف میل خود آنچه چنانکه زمینه را برای رشد مبارزات توده های علیه آمریکا فراهم نمود که سیاست عمومی حاکمیت را در نجات با امپریالیسم بسیار دشوار کرد.

مساله "گروگانها" تاثیر بسیار مهمی بر روابط درونی هدايت حاکمه برجای گذاشت این مساله در طول یکساله اخیر نقش مهمی را در تعیین سرنوشت عادل نیروها به نفع حزب جمهوری اسلامی داشته است. در حقیقت "گروگانگیری" هنگامی آغاز شد که شرایط برای حزب از نظر کسب موقعیت برتر و کناره زدن لیبرالها بمتناهی قدرت برتر، فراهم شده بود.

"گروگانگیری" اگر در مراحل اولیه موجب تقویت سیاسی حاکمیت در میان توده ها شد، اما اکنون که حاکمیت برای حل معضلات سیستم (حل بورژوازی مسائل) مجبور به آزادی گروگانها شده است، مساله گروگانها به رسوائی سیاسی حاکمیت منجر خواهد شد. در واقع اکنون بیش از آنکه برای حاکمیت مساله شرایط آزادی گروگانها و کسب امتیازات بیشتر از امپریالیسم آمریکا مطرح باشد، مسئله توده ها و چگونگی فریب آنها که خواهان محاکمه علنی گروگانها هستند، مطرح است.

اکنون نیروهای انقلابی و مترقی در شرایط حساسی بسر می برند. شرایطی که در آن حاکمیت تلاش فراوانی برای "حل آبرومندانه مساله گروگانها" بکار می برد. افشاکاری در این رابطه بویژه در این شرایط از اهمیت خاصی برخوردار است که بدون آن نمی توان بخوبی تمامی جوانب مساله "گروگانها" را برای توده ها توضیح داد.

موضع هر یک از جناح های مختلف هیات حاکمه بر سر موضوع "گروگانها" چه بوده است؟

اشتباه است چنانچه مساله "گروگانها" را بدون ارتباط با سیاست خارجی حکومت جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی و ارزیابی قرار دهیم بررسی صحیح این مساله میتواند چشم انداز روابط حاکمیت با دولت امپریالیستی آمریکا را نیز تا حدودی روشن کند.

در میان محافل مختلف هیات حاکمه، سه قدرت وجود داشتند که میبایستی مواضع آنها در سیاست خارجی در نظر گرفته شود. مواضع این سه قدرت در مورد "مساله گروگانها" گمانه سازانه در رابطه با خصلت طبقاتی خط مشی آنان در مورد

## مسئله گروگانها و ...

سیاست خارجی حکومت جمهوری اسلامی قابل توضیح و تبیین است، بقراری می باشد.

الف- لیبرالها: سیاست داخلی و خارجی لیبرالها پس از سرنگونی حکومت شاه و پدید آمدن اوضاع سیاسی نوین، بهترین بیان برای منافع طبقاتی بورژوازی ایران بوده است. طیف لیبرالها در کلیت خود، از همان ابتدای کار سرسختانه و بطور صریح و آشکار مخالف با "گروگانگیری" و ادامه آن بودند. آنها هم اکنون نیز تمام کوشش و تلاشهای خود را منوجه آزاد کردن گروگانها کرده اند. پس از سقوط دولت بازگان و قدرت گیری بنی صدر بعنوان رئیس جمهور، شعار "نه شرقی، نه غربی" بمتناهی فشرده و جوهر سیاست خارجی و در میان لیبرالها بصورت خط مشی غالب پذیرفته شد. مضمون واقعی این سیاست ارتجاعی و بورژوازی، عبارت است از نفی با اصطلاح "دوا بر قدرت شوروی و آمریکا" و پیشبرد سیاست همکاری و اتحاد با دولت امپریالیست اروپائی و زاین. خط مشی لیبرالها (پس از روی کار آمدن بنی صدر) در مورد گروگانها نیز تابعی از همین سیاست عمومی آنان در مسائل خارجی و بین المللی بوده است.

لیبرالها شدیداً مخالف "گروگانگیری" بوده و آنرا عاریا منافع ایران (در واقع منافع بورژوازی ایران) می دانند، اما نه بدان دلایلی که خود در این زمینه مطرح می کنند، یعنی نه بدلیل مفایرت "گروگانگیری" با "حقوق بین الملل"، بلکه دقیقاً بدلیل آنکه "گروگانگیری" تجدید سازمانده می تولید و ترمیم مناسبات سرمایه داری وابسته و استقرار نظم و ثبات بورژوازی در ایران را دچار اختلالات جدی کرده است. دلایل حقوقی ای که لیبرالها همواره در مباحث مربوط به گروگانگیری بدان استناد می جویند، صرفاً "اشکال عوام فریبا" و بیوش است که آنها به محتوای طبقاتی سیاستهای خود میدهند.

نا درست است اگر تصور کنیم، پس از حل مسئله "گروگانها" تبلیغات ضد آمریکائی (در عین جلب حمایت امپریالیستهای اروپائی) جناح بنی صدر بیان خواهد یافت. هم خصلت سیاست لیبرال - رفرمیستی بنی صدر در مورد مسائل خارجی یعنی پیشبرد سیاست مخالفت با "دوا بر قدرت" و تکیه بر امپریالیستهای اروپائی و زاین و هم شرایط سیاسی و وجود جوشید ضد آمریکائی در جامعه، ادامه سیاست کنونی را از جانب لیبرالها اجتناب ناپذیر ساخته است.

ب- جناح مسلط و رهبری کننده در حزب جمهوری اسلامی (بهیستی، رفسنجانی)، واقعیات در عرض یکسال گذشته بخوبی نشان داده است که حزب هیچگاه سیاست خارجی مشخص و تدوین شده و همگویی را ارائه نداده است. این حزب در رابطه با سیاست خارجی و علیرغم مواضع بظاهر ضد و نقیضی که ایجاد نموده است. سیاست خارجی آن سیاستی بوده است که از جانب جناح مسلط آن یعنی جناح بهیستی - رفسنجانی نه پیش رانده شده است. محتوای این سیاست با آنچه که بنی صدر تاکنون مبلغ آن بوده است علیرغم (تفاوتهای تاکتیکی) دارای تمایزات اساسی نبوده است. مضمون شعار "نه شرقی، نه غربی" این جناح نیز چیزی جز مخالفت با "دوا بر قدرت آمریکا" و

شوروی از یکسو و همکاری سیاسی با دولتتهای امپریالیست اروپائی و زاین نبوده است. آنها بارها ناراضی خود را از مسئله گروگانها "و ضرورت حل آن ابراز نموده اند. این جناح حزب (بورژوازی کلریکالیست) از قضیه گروگانها تنها بمتناهی حربه های سیاسی بمنظور گسترش پایه توده های خود و ایزوله کردن جریانهای انقلابی درون جامعه و نیز برای غلبه بر جناح لیبرال هیات حاکمه سود جست است.

این انگیزه عمل تعیین کننده ای در سیاست حمایت گرایانه آنان از مسئله "گروگانگیری" توسط دانشجویان "خط امام" بوده است. باین ترتیب آنان برخلاف لیبرالها هیچگاه از سیاست با ثباتی نسبت به موضوع "گروگانها" برخوردار نبوده اند و در طول جریان ادامه "گروگانگیری"، بنا بر "مصلحت جوئی" ها و مقتضیات سیاسی روز، گاه به سیاست لیبرالها و گاه به فشار توده های پائین حزب تمایل نشان داده اند. وهم اکنون شکل پوشیده و شیوه مزورانه ای از آزادی گروگانها در قبال حداکثر امتیازات از دولت امپریالیستی آمریکا، پشتیبانی می کنند. و این ناشی از موضع و ماهیت بورژوازی سیاستهای آنان است. اما واضح است که این جناح نیز پس از آزادی گروگانها به علت فشار توده های و بر اساس سیاست "نه شرقی، نه غربی" به تبلیغات ضد آمریکائی خود ادامه خواهد داد. مشخصات سیاست خارجی این جناح نیز در کلی ترین خطوط عبارت از ضدیت با اتحاد شوروی و مخالفت با امپریالیسم آمریکا از یکسو و اتحاد سیاسی با دولتتهای امپریالیست اروپائی و زاین یعنی متحدین طبیعی امپریالیسم آمریکا از سوی دیگر است.

قدرت سوم، جناح "مجاهدین انقلاب اسلامی" بر رهبری جلال الدین فارسی است که در حزب از پایه وسیعی برخوردار است. دانشجویان پیرو خط امام "نیز اساساً به همین جریان وابسته بوده و در این طیف جای دارند.

این جریان ارتجاعی که نماینده عقب مانده ترین قشرهای جامعه است. علیرغم تمام کوششهای خود هیچگاه نتوانسته است به قدرت مسلط در حزب و یا هیات حاکمه تبدیل گردد بلکه در هر دو حالت دنباله رور سیاست رهبری بورژوازی حزب بوده است تضاد آنها با امپریالیسم، بویژه امپریالیسم آمریکانه از موضعی مترقی و انقلابی بلکه از موضعی ارتجاعی است و دارای یک جنبش و هیستری ضد کمونیستی هستند. این جناح که از همان ابتدا در تعارض با لیبرالها قرار داشته است، خواهان محاکمه گروگانهای آمریکائی بوده است.

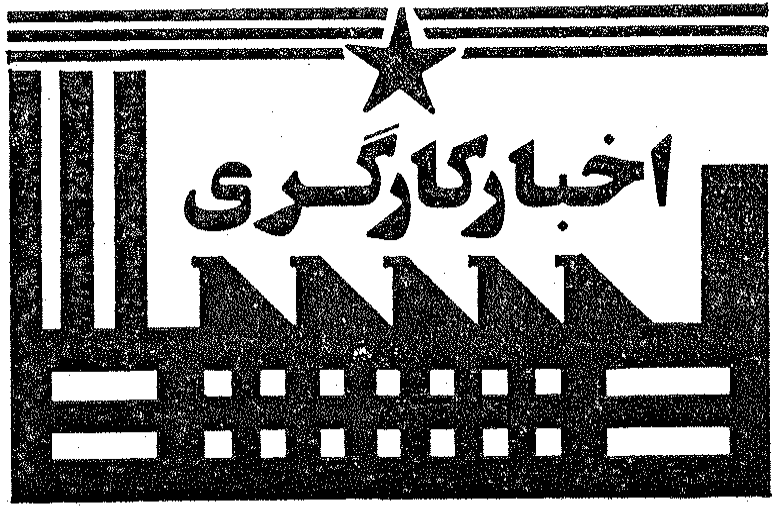
مواضع آنارشیستی این جناح بشدت با اصطلاح نظم خواهی و امنیت طلبی بورژوازی ایران در تناقض قرار دارد.

آنها در اکثر مسائل مربوط به سیاست خارجی هم با جناح بهیستی - رفسنجانی و هم به درجات بسیار خادتری با جناح لیبرال درگیرند.

اما با اینهمه، وجود آیت الله خمینی و نیروهای پیوندهای ایدئولوژیک و وابستگی های عمیق مذهبی، آنان را در نهایت مجبور به حفظ وحدت حزب جمهوری اسلامی و پیروی از سیاستهای این حزب می کند.

نتیجه آنکه پس از آزادی گروگانهای آمریکائی نیز، علیرغم اختلافات و تضادهائی که ما در بالا بدان اشاره کردیم، پیشبرد باز سیاستی سیاست خارجی ایران "بر اساس اتحاد سیاسی با دولت امپریالیست اروپائی و زاین، مضمون اصلی سیاست خارجی حکومت جمهوری اسلامی ایران، خواهد بود.

# تعطیل دور روز در هفته گامی در جهت تأمین رفاه کارگران و لازمه ارتقاء آگاهی آنان است



# اخباری چند از کارخانجات صنایع دفاع

فشار جنگ بردوشز حمتکشان صنایع دفاع بیش از تمامی کارگران کارخانجات دیگر سنگینی می کند. واحدهای مختلف صنایع دفاع که تولیدات مربوط به جنگ، از ساخت مهمات جنگی و اسلحه گرفته تا تعمیر و مونتاژ هواپیما و هلیکوپتر و وسایل مخابراتی را بعهده دارد، امروزه به شدت بدترین وجهی تحت فشار دولتی قرار گرفته است. سرهنگ اشکوری مدیر عامل این سازمان در سخنرانی خود در روز یکشنبه ۷/۶ در حالی که برافروخته بود می گفت که:

"سازمان این واحدها باید تغییر کند، باید تولید را بالا ببریم چونکه برادران ما در حال جنگ هستند، ما باید برای آنها باروت بسازیم. اگر کسی کار نکند یا کم کاری کند بعد از آن ما سلامتی معرفی می شود."

او در سخنان خود بدین سبب برنامه دولت و گردانندگان امور جنگ را روشن نمود. منظور او از "تغییر سازمان واحدها" همان بازگرداندن عوامل ضد اطلاعاتی که بر اثر فشار کارگران اخراج شده اند. "تغییر سازمان" آن ها همان بازسازی ارتش ضد خلقی است و فرار از تسلیح توده ها. آن ها چگونه می توانند تجربه توده های مسلح در قیام بهمین ماه را که منجر به شکست یکی از قویترین نیروهای نظامی منطقه شد انکار کنند؟ یا وقتی می گویند "برادران ما در حال جنگند." نمی گویند در حال جنگ با

مزدوران عراقی هستند. چون هم اکنون ارتش و پاسداران در کردستان مشغول سرکوب خلق کرد می باشند. و آنها نیز به "باروت" و مهمات احتیاج دارند. چه خوب بود ز مزمه اعتراضی یک کارگر حاضر در جلسه به گوش همه کارگران می رسید. او که به خاطر ترس از "دادگاه اسلامی" نمیتوانست با صدای بلند صحبت کند، زیر لب می گفت:

"اگر باروت را واقعا فقط برای مقابله با هواپیماها و تانکهای عراقی بخواهید که هیچ. اما خلق بیچاره کردستان چه تجاویزی به مردم ایران کرده اند؟ چرا ما باید اسلحه های بسازیم که می خواهد سینه مردم کردستان را نشانه بگیرد؟!"

اخبار زیر نیز خود نشان دهنده این مدعا است که گردانندگان امور جنگ خطی را طی می کنند که می شود آنرا در ۳ زمینه خلاصه کرد:

۱- بازگرداندن عوامل وابسته به رژیم سابق در راس امور بجای مزدوران عراقی.

۲- سرکوب همزمان خلق کرد و نیروهای انقلابی.

۳- فشار به کارگران در بالا بردن تولید، برای تقویت ارتش، بدون توجه به حقوق ابتدائی کارکنان.

● مهندس علی معصومی در کارخانجات جنگ افزار سازی کارگران را شدیداً مورد آزار و اهان قرار داده تا بیشتر تولید کنند.

● کمیته پاکسازی کارخانه هم از او در مقابل کارگران حمایت می کند. وی که با اتحاد و همبستگی کارگران از یک قسمت بیرون رانده شده بود اکنون در قسمت دیگری آغاز بکار کرده است. او در بدو ورودش به این قسمت در جلسه ای به کارگران گفته بود اگر کسی من را نمی خواهد صلوات بفرستد، سالن از طنین صلوات بملرزها افتاد. اما ما مورین کمیته پاکسازی و نماینده های فرمایشی کارخانه با زور او را در همانجا نصب نمودند.

● در کارخانجات مهمات سازی، سرهنگ یزدانی رئیس کارخانه، دو افسر را که با اتهام همکاری با رژیم سابق باز نشسته شده بودند به کارگمارد. یکی از آنها سرهنگ صارمی و دیگری سرگرد سلاری است. علاوه بر حلقه به گوش رژیم سابق کلاشی و فسادش با نزدیکان سابق کارگران است. اخیراً کمیته پاکسازی نیز تعدادی دیگر از عناصر سرسپرده اخراجی را به کار دعوت کرده است. عین همین مسئله در اکثر واحدهای دفاع اجرا شده است.

در تمام این کارخانجات به مسئله ای که کمتر از همه توجه دارند، جان کارگران است. در هیچیک از این کارخانه ها پناهگاه مطمئنی وجود ندارد. کمیته های مسلح موجود در برخی از این کارخانجات نیز چون توسط خود کارکنان تشکیل نشده است، پیش از آنکه بفکر جان آنها باشند ب فکر حفاظت از کارخانه هستند. بطور مثال می توان از شرکت صنایع هواپیمائی و شرکت نوسازی هلیکوپتر نام برد. که بدلیل قرار گرفتن در کنار فرودگاه تاکنون چندین نفر از حمتکشان آن کشته و زخمی شده اند همچنان در معرض خطر بمباران قرار دارند.

در بعضی از این کارخانجات ساعات کار را اضافه نموده اند و حتی تا ساعت ۵ یا ۶ بعد از ظهر از کارگران کاری کشند. این مسئله علاوه بر آنکه احتمال آسیب دیدن کارگران در حملات هوایی مزدوران عراقی را بیشتر می کند، سبب تلفات کارگران در اثر گازهای دو خستگی نیز می گردد. بطور مثال، محمد امین زارع کارگر کارخانجات جنگ افزار سازی که در حین کار از سقف کارگاه به زمین سقوط کرد و هم اکنون در بیمارستان تحت عمل جراحی قرار دارد، یادر کارخانجات مهمات سازی در اثر اشتباه یک کارگر به علت خستگی

زیاد یک دیگ بخار منفجر شده یک نفر کشته و چند نفر زخمی شدند.

● در شرکت صنایع هواپیمائی نمایندگان شورای تحمیلی شرکت سعی در جلب توافق کارکنان برای پرداخت یک روز حقوق خود به جنگ زدگان می نمایند (هفته دوم مهرماه). کارکنان که این مسئله را با اکراه پذیرفته اند می گویند:

"این پولها به چه حسابی ریخته می شود و توسط چه کسی خرج می گردد. آیا واقعا بدست جنگ زدگان میرسد؟"

و بعضی دیگر از کارکنان مطرح می کنند:

"این هم مثل پولهای کبه حساب ۱۰۰ مستضعفین ریخته نباشد. آخر شرم معلوم نشد آن پولها کجا رفت؟"

● در کارخانجات جنگ افزار سازی به کارگران گفته اند "عده ای داوطلب برای جنگ در کردستان می خواهیم". این مسئله در شرایطی مطرح شده که مسئله جنگ با عراق از مهمترین مسائل روز می باشد.

● در کارخانجات پارچین گلوله (آر-بی-۷) را که برای خنثی کردن آورده بودند در کارخانه منفجر شد و منجر به کشته شدن دو نفر شد.

● در شرکت نوسازی هلیکوپتر انجمن اسلامی اعلام کرد که نیروهای پیشرو و موحدین به هیچوجه حق استفاده از سلاح نباید داده شود، و تنها اعضای انجمن اسلامی در این رابطه مجاز

هستند. لازم است اضافه شود که در حملات اخیر که به این شرکت صورت گرفته بود مسئولین تیربار که اعضای انجمن اسلامی بودند بمحض دیدن هواپیماهای عراقی فرار را برقرار ترجیح دادند.

● وبالاخره از اعزام کارکنان کارخانجات صنایع دفاع به جبهه جنگ باید صحبت کرد. در روزهای اولیه پس از جنگ در اثر جوی که در کارخانجات ایجاد شده بود و تبلیغاتی که در این رابطه صورت می گرفت تعداد ۲۸۰ نفر از ۳۲۰۰۰ نفر شاغلین این مجموعه داوطلب اعزام به جبهه شدند. این افراد که در حین اعزام با حرارت زیادی شعار "مرگ بر منافقین" می دادند با تکبیرهای پیاپی محل خود را ترک کردند و اکنون که حدود دو هفته بیشتر از اعزام آنها نمی گذرد حدود ۱۵۰ نفرشان دیگر حاضر به ماندن در جبهه نبوده و به اشکال مختلف خود را به تهران رسانده اند. ذهنیت افراد برگشته از جبهه کاملاً تغییر کرده است. هر یک به نحوی اعتراض خود را بازگویی کنند. عدم سازماندهی و نبودن رهبری مشخص در جبهه مستلزم ای است که در صحبت آنان به وجود بارزی بچشم میخورد آنها می گویند "مسئولین بدون در نظر گرفتن تمام جوانب امر آنها را اعزام کرده اند." طبق اخبار رسیده تاکنون ۲ نفر از این افراد کشته شده اند.

## خلق دلیر بلوچ، زحمتکش سیستانی

روز ۲۲ مهرماه پاسداران مسلح به کارخانه بافت بلوچ در ایرانشهر حمله کرده و چند تن از کارگران بافت بلوچ را دستگیر و به زاهدان منتقل می نمایند. پاسداران علاوه بر آنکه به اعتراضات کارگران و خواسته های شان مبنی بر آزادی دستگیر شدگان با شدت عمل پاسخ میدهند به تهدید و آزار عاب در سطح شهر می پردازند.

اینک بر عهده ما است که با همه نیروی خویش در همه شهرها و روستاهای استان و هر جا که هستیم به حمایت از دستگیر شدگان که بدون هیچ علت و اتهام آشکاری بازداشت شده اند برخیزیم و همپای با سایر نیروهای مترقی از حقوق خلق بلوچ و بویژه خواست های برحق کارگران و زحمتکشان و مردم ایرانشهر برای آزادی دستگیر شدگان تلاش ورزیم.

انجمن دانش آموزان بلوچ

# سود ویژه که قسمتی از دستمزد کارگران است پرداخت باید کرد

# جنگ زرگری - حزب توده و "کمیته مرکزی"

در روابط دیپلماتیک بورژوازی این ساله بعنوان یک اصولی پذیرفته شده که طرفین یک دعوا در عین اینکه مذاکرات اساسی و در نهایت نیز سازش خود را در پشت پرده به پیش میبرند، در صحنه سیاسی و در مقابل تودهها نزدیکست به مانورهای تبلیغاتی بسیاری میزنند. سردادن فریاد های "هل من مبارز"، رد و بدل کردن فحشهای دیپلماتیک و پرخاش به یکدیگر، در حالی که مذاکرات و یا حرکات گام بگام بسوی مواضع سازش در پس پرده جریان دارد. رسم جدال های بورژوازی است.

اپورتونیسیم بعنوان ستون پنجم بورژوازی در جنبش طبقه کارگر و بعنوان ناقل میکرب کشف ایدئولوژی بورژوازی "همواره" رسوم پسندیده سرمایه داران را بخدمت خیانت های خود گرفته است. اپورتونیسیتها همواره سعی در نفوذ دادن شیوه های کثیف و بورژوازی با نه های چون تبلیغات بورژوازی - دروغ پردازان و لاف زنی - چانه زدن سیاسی - دورویی و فریب توده ها و ... نموده اند. یکی از این "شیوه های پسندیده" نیز کل آل سود نمودن آب و مستت کردن اذهان توده های هوادار توسط پرخاشجویی بی محتوا و سطحی و گرفتن بموقع ماهی یعنی حرکت در جهت تعمیق و تحکیم مواضع اپورتونیسیتی

می باشد. یکی از برجسته ترین و در عین حال آخرین موارد بکارگیری چنین شیوه های را در "پرسش و پاسخ" اخیر بین "حزب توده" و "کمیته مرکزی" می توان سراغ نمود. "حزب توده" با پشتوانه ۴۰ سال خیانت پیگیر، نسبت به خطه رویزیونیسم و اپورتونیسیم راست احساس مالکیت و حق آب و گل شدیدی می نماید و اینک که اپورتونیسیت های جوان (و در نتیجه پر قدرت تر و تازه نفس تر) به این ملک پانهادمانند میخورد از تازه وارد بودن آنها استفاده برده میخورد رهبری و سردمداری خود را محکم نماید و از سوی دیگر "کمیته مرکزی" با تکیه بر توده های هوادار خود (که عموماً صاف دقانه بر حول نام فدائی گرد آمده اند و "کمیته مرکزی" سعی دارد با تکیه بر کم تجربگی، توهم وسطی پائین ایدئولوژیک آنان را در تار و پود های تشکیلات خود حفظ نماید) حاضر نیست تن به رهبری این پیر فرتوت و پوسیده دهد. در نتیجه جنگی زرگری نه بر سر اختلاف مواضع و تضادهای ایدئولوژیک بلکه بر سر اعمال هرز مونی بر یکدیگر در بین این دو درگیر شده است. کیا نوری در پیرش و یا سخن (جلسه ۱۲ مهر ماه) مواضع و نظرات "حزب" نسبت به "اکثریت" را بدین صورت بیان

از سوی دیگر "کمیته مرکزی" در شماره ۸۰ ارگان سراسری خود به کیا نوری و "حزب توده" پاسخ داده است. مطالعه دقیق این پاسخ بسیاری از مسائل را روشن میکند. هرگاه بخواهیم چکیده این پاسخ را بیان کنیم به این صورت خواهد بود که "حزب توده" چون شاهد است که ما (یعنی اکثریت) با تکیه بر "تحول و انسجام ایدئولوژیک" ایجاد شده در سازمان خود به "تنها محور جنبش کمونیستی ایران تبدیل" شده ایم و به سرعت "بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر" روانیم، در نتیجه به وحشت افتاده است و با توسل به شیوه تبلیغاتی بورژوازی و دروغ پردازی و همچنین انکاء به توهم و نا آگاهی توده ها می خواهد به دروغ خود را رهبر جنبش کمونیستی ایران قلمداد کند. و با انکاء به این دروغ - پردازیهاست که پیشنهاد داده "اکثریت" به "حزب توده" بپیوندند. قضا از نظر طرف دیگر دعوا نیز روشن شد. در پاسخ "اکثریت" به "حزب توده" هیچگونه سخنی از اپورتونیسیم و رویزیونیسم حاکم بر "حزب توده" نیست. هیچگونه بحثی از خیانت های این "حزب" به جنبش طبقه کارگر و به دنبال روی این حزب از بورژوازی در میان نیست. هیچ سخنی در پاسخ با اینکه چرا

"اکثریت" همواره باش ماه تاخیر فایده تحلیلهای "حزب توده" می رسد نیست و ... یعنی مشخصاً هیچگونه اختلافی از نظر مواضع طرح نمی شود. بلکه دعوا کلاً بر سر اینست که رهبری در دست "حزب توده" نیست بلکه در دست اکثریت است. در نتیجه با بررسی نظرات طرفین قضیه کلاً روشن میگردد و آن اینکه جنگ زرگری موجود در بین "اکثریت" و "حزب توده" در وجه عمده خود بر سر اینست که رهبری اپورتونیسیم راست را کدا میک بدست دارند و در پس این جنگ زرگری حرکتی گام بگام در جهت تثبیت و تحکیم مواضع اپورتونیسیتی و برقراری سازش نهائی قرار دارد. نکته آخر، محور اصلی سخنان کیا نوری را این مساله تشکیل میداد که مواضع "اکثریت" بسرعت بهبود می یابد و "اکثریت" همواره "شش ماه بعد" به تحلیلی می رسد که "حزب توده" شش ماه پیش از آن رسیده و "اکثریت" با سکوت خود در مورد این قسمت از سخنان کیا نوری "بالاجبار" بر این واقعیت صحنه نهادهاست. و این تنهاراها و نیز بوده زیرا فقط یک مقایسه ساده و بدور از ظاهر بینی بین موضع گیری ها و تحلیلهای این دو مساله را بر هر فرد صادقی روشن می کند.

## با کمکهای مالی خود سازمان را یاری رسانید!

رفقا، دوستان، هواداران همانطور که اطلاع دارید، پس از انشعاب، "کمیته مرکزی" از تحویل هرگونه امکانات به سازمان خودداری کرد. با توجه به اینکه گسترش فعالیت های هر سازمان انقلابی به کمک های هواداران و طرفداران آن سازمان بستگی دارد از کلیه رفقا، دوستان و هواداران می خواهیم که ما را از امکانات خود با خبر کنند و بالاخص کمک های مالی خود را از راه های مطمئنی که مهتاسند برای ما بفرستند.

۲۱۰۰	ب	۱۴۱۹	۵۱۱۰	۱۱۰۵	ص	۱۱۰۵	۱۲۸۶	۲۰۲۲	۹۰۰۷	۱۰۱۰۰	ز	۱۰۱۰۰	۱۴۱۹	۵۱۱۰	۲۱۰۰
۱۱۱۱	خ	۳۰۲۰۰	۱۱۱۱	۱۱۰۰	ع	۱۱۰۰	۲۴۹۹	۲۲۰۰	۵۱۴۵	۲۲۲۲	ح	۲۲۲۲	۳۰۲۰۰	۱۱۱۱	۱۱۱۱
۸۴۰	د	۱۳۱۴	۸۴۰	۱۱۲۳	س	۱۱۲۳	۱۱۲۳	۱۱۲۳	۱۱۲۳	۱۱۲۳	ط	۱۱۲۳	۱۳۱۴	۸۴۰	۸۴۰
۱۰۱۷	ر	۱۰۰۵۵	۱۰۱۷	۱۱۲۴	ت	۱۱۲۴	۱۱۲۴	۱۱۲۴	۱۱۲۴	۱۱۲۴	ث	۱۱۲۴	۱۰۰۵۵	۱۰۱۷	۱۰۱۷
۹۶۱	ج	۱۵۵۵	۹۶۱	۱۲۴۱	م	۱۲۴۱	۱۲۴۱	۱۲۴۱	۱۲۴۱	۱۲۴۱	ذ	۱۲۴۱	۱۵۵۵	۹۶۱	۹۶۱
۵۲۰	پ	۱۵۵۵	۵۲۰	۱۲۴۵	س	۱۲۴۵	۱۲۴۵	۱۲۴۵	۱۲۴۵	۱۲۴۵	د	۱۲۴۵	۱۵۵۵	۵۲۰	۵۲۰
۵۱۰	ت	۱۴۲۴	۵۱۰	۱۲۴۵	ج	۱۲۴۵	۱۲۴۵	۱۲۴۵	۱۲۴۵	۱۲۴۵	ز	۱۲۴۵	۱۴۲۴	۵۱۰	۵۱۰
۱۷۲۹	ح	۱۴۲۴	۱۷۲۹	۱۲۴۵	ط	۱۲۴۵	۱۲۴۵	۱۲۴۵	۱۲۴۵	۱۲۴۵	ث	۱۲۴۵	۱۴۲۴	۱۷۲۹	۱۷۲۹

رفقای الف	گلدوزی شمارسید	۲۲۰۰	ل	۲۲۰۰	امانت شمارسید	۵۰۰۴	ت	۵۰۰۴	رفقای بند عباس	رفقای بند عباس	۲۰۰۰	ن	۲۰۰۰	ریال	۲۰۰۰	ف	۴۰۰										
۷۸۶	ص	۷۸۶	امانت شمارسید	۴۵۰	ح شرار	۱۰۰۰	ریال	۱۰۰۰	رفقای ساری	رفقای ساری	۵۰۰۰	ریال	۵۰۰۰	رفقای گرمی دشت	رفقای گرمی دشت	معان	۸۰۰۰	ریال	۸۰۰۰								
۱۲۲۱	ا	۱۲۲۱	رفقای شهرکرد	۲۱۴۲	ت ۲۶ مل	۵۰۰۰	ریال	۵۰۰۰	رفقای خزان	رفقای خزان	۲۲۰۰	ریال	۲۲۰۰	رفقای نارمک	رفقای نارمک	۵۰۰۰	ریال	۵۰۰۰	رفقای دینپرستان	رفقای دینپرستان	۲۲۱۰	باختر	۲۲۱۰				
۱۱۲۳	د	۱۱۲۳	امانت یک معلم	۱۲۵۷	روستا	۱۵۰۰۰	ریال	۱۵۰۰۰	رفقای نیشابور	رفقای نیشابور	۸۰۰۰	ریال	۸۰۰۰	رفقای شهرضا	رفقای شهرضا	۱۵۰۰	ذ	۱۵۰۰	رفقای شیراز	رفقای شیراز	۱۹۰۰	ر	۱۹۰۰	ک	۱۸۰۰	م	۲۵۰۰
۱۱۲۴	ز	۱۱۲۴	رفقای بندر بوم	۹۲۲۵	پ - ر	۲۱۰۰	ر	۲۱۰۰	رفقای خمین	رفقای خمین	۴۴۳۳	رفقای مدرس معلم	رفقای مدرس معلم	۵۵۰۰	ریال	۵۵۰۰	رفقای کارگر	رفقای کارگر	۱۰۰	ریال	۱۰۰	بدون و بنا	بدون و بنا	۶۰۰۰	م	۶۰۰۰	۱۶۰۲
۱۲۴۱	س	۱۲۴۱	رفقای بندر بوم	۲۰۲۴	ش - م	۱۰۰۰۰	ریال	۱۰۰۰۰	رفقای بندر بوم	رفقای بندر بوم	۲۵۹۸	م - ن	۲۵۹۸	رفقای پارس	رفقای پارس	۱۲۸۲	رفقای وین	رفقای وین	۷۵۰۰	ریال	۷۵۰۰	رفقای بختان	رفقای بختان	۴۲۳۴	ن	۴۲۳۴	۴۲۳۴
۱۱۲۵	ه	۱۱۲۵	رفقای بندر بوم	۳۱۱۸	م - ن	۲۵۹۸	م	۲۵۹۸	رفقای بندر بوم	رفقای بندر بوم	۱۲۸۲	ن	۱۲۸۲	رفقای پارس	رفقای پارس	۱۲۸۲	رفقای وین	رفقای وین	۷۵۰۰	ریال	۷۵۰۰	رفقای بختان	رفقای بختان	۴۲۳۴	ن	۴۲۳۴	۴۲۳۴
۱۱۸۲	ب	۱۱۸۲	رفقای بندر بوم	۵۲۸۱	ط - ج	۱۹۹۹	ط	۱۹۹۹	رفقای بندر بوم	رفقای بندر بوم	۱۲۸۲	ن	۱۲۸۲	رفقای پارس	رفقای پارس	۱۲۸۲	رفقای وین	رفقای وین	۷۵۰۰	ریال	۷۵۰۰	رفقای بختان	رفقای بختان	۴۲۳۴	ن	۴۲۳۴	۴۲۳۴
۱۹۹۹	ط	۱۹۹۹	رفقای بندر بوم	۵۲۸۱	ش - م	۱۰۰۰۰	م	۱۰۰۰۰	رفقای بندر بوم	رفقای بندر بوم	۱۲۸۲	ن	۱۲۸۲	رفقای پارس	رفقای پارس	۱۲۸۲	رفقای وین	رفقای وین	۷۵۰۰	ریال	۷۵۰۰	رفقای بختان	رفقای بختان	۴۲۳۴	ن	۴۲۳۴	۴۲۳۴
۵۴۵۴	-	۵۴۵۴	رفقای بندر بوم	۳۱۱۲	رفقای	۱۵۶۵	۳۱۱۲	۱۵۶۵	رفقای بندر بوم	رفقای بندر بوم	۱۲۸۲	ن	۱۲۸۲	رفقای پارس	رفقای پارس	۱۲۸۲	رفقای وین	رفقای وین	۷۵۰۰	ریال	۷۵۰۰	رفقای بختان	رفقای بختان	۴۲۳۴	ن	۴۲۳۴	۴۲۳۴
۱۲۷۹	ا	۱۲۷۹	رفقای بندر بوم	۵۲۳۳	بهاوند	۱۵۱۵۰	۵۲۳۳	۱۵۱۵۰	رفقای بندر بوم	رفقای بندر بوم	۱۲۸۲	ن	۱۲۸۲	رفقای پارس	رفقای پارس	۱۲۸۲	رفقای وین	رفقای وین	۷۵۰۰	ریال	۷۵۰۰	رفقای بختان	رفقای بختان	۴۲۳۴	ن	۴۲۳۴	۴۲۳۴
۵۱۱	ب	۵۱۱	رفقای بندر بوم	۵۱۱	ا	۱۰۰۰	۵۱۱	۱۰۰۰	رفقای بندر بوم	رفقای بندر بوم	۱۲۸۲	ن	۱۲۸۲	رفقای پارس	رفقای پارس	۱۲۸۲	رفقای وین	رفقای وین	۷۵۰۰	ریال	۷۵۰۰	رفقای بختان	رفقای بختان	۴۲۳۴	ن	۴۲۳۴	۴۲۳۴
۴۳۴۵	ج	۴۳۴۵	رفقای بندر بوم	۵۱۱	بهاوند	۱۵۱۵۰	۵۱۱	۱۰۰۰	رفقای بندر بوم	رفقای بندر بوم	۱۲۸۲	ن	۱۲۸۲	رفقای پارس	رفقای پارس	۱۲۸۲	رفقای وین	رفقای وین	۷۵۰۰	ریال	۷۵۰۰	رفقای بختان	رفقای بختان	۴۲۳۴	ن	۴۲۳۴	۴۲۳۴

## پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر



## سیاستهای اقتصادی

# حزب جمهوری اسلامی

## دفاع از منافع سرمایه‌داران

فرهنگی کرده است، باید با فرهنگ و اخلاق شده و در فرهنگ آن آنچنان "دگرگونی بوجود آید که ما احساس می‌کنیم در یک جامعه‌ای هستیم با خصلت‌ها، روشها و احساسات انسانی و اسلامی". این دگرگونی عبارتست از اینکه "کارخانه‌دار به میزان درآمدی که از این کارخانه می‌خواهد داشته باشد" قانع گشته و دست واسطه‌ها کمتر شود. بنابراین یک یاد دست، شاید در بعضی موارد هم به دست کافی است "فروشنده چیزی باید محاسبه کند که بیش از حد روی جنس به آن "کارگر بیچاره و کارمند جزئی و پیشه‌ور ضعیف که به زحمت در روز پنجاه تومان و هفتاد تومان درآمد داشته باشد نکشیده، به این ترتیب بایک دگرگونی سود تعدیل می‌شود و با انقلاب فرهنگی، انقلاب اقتصادی تحقق خواهد یافت!!

آقای باهنر سرانجام پس از نصایح اخلاقی و یاد بیچارگان کردن، حرف آخر خود را می‌زند. کارخانه‌دار، تا جری باز او همه سرمایه‌داران باید افرادی قانع باشند و تا آن حد سود ببرند که رعایت حال "کارگر بیچاره، کارمند جزئی و پیشه‌ور ضعیف" هم بشود. موضع آقای باهنر در برخورد با مسئله سود و افزون طلبی، از موضع برخورد بورژوازی متوسط به بورژوازی بزرگ است. همان بورژوازی که تا دیروز با انباشتن تمامی ثروت‌ها در دست خود کسب سودهای کلان نه تنها رعایت سهم بورژوازی متوسط را نمی‌کرد، بلکه جامعه را به مرحله انفجاری سوق داد. آقای باهنر به سرمایه‌داران توصیه می‌کند، که این فرهنگ را بکنار بگذارند. حال که سرمایه‌داری همچنان با برجا است و سرمایه‌داران متوسط عمده قدرت سیاسی را در دست دارند، خصوصیات بدو زشت بورژوازی بزرگ را که هم‌زین آنها و هم‌بزیان جامعه بوده است بکنار نهند. البته بگذریم از اینکه آنچه آقای باهنر می‌گوید صرفاً "از جنبه اخلاقی" مسئله مطرح است و لا غیر.

آقای بهشتی در ادامه صحبت‌های دکتر باهنر رشته کلام را بدست می‌گیرد و سخنان وی را تکمیل می‌کند.

او نیز با سود "معقول و قابل قبول" مخالفتی ندارد، بلکه باز هم بحث بر سر میزان سود است.

بهشتی مسئله روشن تر بررسی می‌کند و می‌گوید "سرمایه‌مجموعاً" بیکی از سه حالت هست:

۱- در شکل وسایل تولید،  
۲- در شکل مستغلات،  
۳- در شکل سرمایه در گردش.

در باره سرمایه به شکل وسایل تولید می‌گوید: "این سرمایه را اگر برایش سودی، قائل شویم، البته به آن نرخهای کلان، بالا، بلکه بایک نرخ معقول محدود متعادل از نظر اقتصادی قابل فهم است و قابل قبول".

الحق که آقای دکتر بهشتی سهامداران بانک بقیه در صفحه

آغاز می‌کند که "دیگران انقلابشان، انقلاب سیاسی است، انقلاب اقتصادی است، اما در انقلاب اسلامی ما انقلاب فرهنگی مطرح است... مارشهر انقلاب فرهنگی میدانیم، جناب باهنر معتقد است که از طریق انقلاب فرهنگی، انقلاب سیاسی و نگاه اقتصادی میسر است. رشته از اینجا آغاز می‌شود و با صدور احکام اخلاقی که باید همه برادر و برابری باشند، سود زیاد نبرند، مصرف نمایند، سطح تولید را بالا ببرند، ادامه پیدا می‌کند و خلاصه ضمانت تمام پیشنهادات سمینار را اخلاق، ایثار، مجاهدت!! تمامی انسانها، اعم از سرمایه‌دار، کارگر، خانم خانه‌دار... تعیین می‌کند.

سخنان باهنر انسان را بیاد کلیسا و پادشاهان روحانی می‌اندازد که باید و نصیحت پدرگونه‌ای، هم‌را اعم از سرمایه‌دار و کارگر، به صلح و صفای برادری دعوت می‌کنند، احکام اخلاقی صادر می‌کنند و نوید می‌دهند بشرط رعایت احکام الهی همه مصائب و بدبختی‌های بشری از میان می‌رود. در اساس و پایه جامعه نباید تغییری صورت پذیرد، بلکه هدف اصلاحاتی در روی بنای جامعه و آنها هم رعایت احکام اخلاقی و مذهبی است که بدنبال خود، دگرگونی‌های سیاسی و اقتصادی را پدید می‌آورد.

این سخنان باهنر البته بهیچوجه تازه‌گی ندارد، نظریه پردازان بورژوازی با شکل مختلف، این نظرات تبلیغ و ترویج کرده‌اند و می‌کنند، اما هنر آقای باهنر در این است که ویژگی جامعه ما را بخوبی در نظر گرفته و سعی می‌کند، با در نظر گرفتن این ویژگیها، به تئوریزه کردن نظریات مدافعین نظام سرمایه‌داری یاری رساند.

### مسئله سود از دیدگاه سران

### حزب جمهوری اسلامی

حجت الاسلام معتقد است که فرهنگ جامعه یعنی "مجموعه اعتقادات و خصلتها و گرایشهای یک جامعه، در یک جامعه‌گامی مسئله‌نکار یکی از عناصر فرهنگ آن است، فرهنگ تا ثمر عبارتست از "فرهنگ سودجویی" و همچنانکه بعداً خواهیم دید، بقول آقای بهشتی پاره‌ای از "سودها معقول است و قابل قبول".

بنابراین آنچه که انگیزه کسب سود است، جزو فرهنگ جامعه است و چنانچه این سود قابل قبول و معقول باشد، حتماً "با انقلاب اسلامی که همان انقلاب فرهنگی است وفق دارد. بنابراین برسانت انقلاب اسلامی که عمدتاً انقلاب فرهنگی است، در زمینه اقتصاد و "انقلاب اقتصادی" عبارتست از معقول کردن و قابل قبول نمودن سود باهنر زمینه فرهنگی افزون طلبی و ریشه‌آرایان می‌کند و نتیجه می‌گیرد: ملتی که شهید داده، ملتی که انقلاب

چندی پیش بنا به ابتکار حزب جمهوری اسلامی سمینار انقلاب فرهنگی اقتصادی بازار برگزار شد، که علاوه بر تجار سرشناس سران حزب نیز در این سمینار سخنرانیهائی ایراد کردند. گرچه این کمیونستانه بر اساس آنچه که افراد و احزاب ادعا می‌کنند می‌گویند، بلکه بر اساس آنچه که واقعا انجام می‌دهند، در مورد آنها قضاوت می‌کنند. اما به منظور شناخت هر چه بیشتر مواضع حزب جمهوری اسلامی لازم دانستیم بویژه گفتار سران حزب را در این سمینار مورد بررسی قرار دهیم.

پس از قیام احزاب و نیروهائی که نمایندگی بورژوازی متوسط را بر عهده داشتند و هر یک بشیوه خاص خود در پی راه حل بحران و نحوه حکومت بر مردم بودند، تشکیلات خود را گسترش دادند.

حزب جمهوری اسلامی نیز علی‌رغم ترکیب ناهمگون و گرایشات متعدد که نتیجه تشکیل این حزب در شرایط قیامی و بحران سیاسی بود، دارای ماهیتی معین بود، که از سیاست طبقاتی معینی دفاع می‌کرد.

سیاستهای این حزب گرچه بظاهرتناقضاتی را در برداشت، اما در واقع خط معینی را دنبال می‌کرد و سیاستهای اقتصادی آن نیز نوع دیگری از حل مسائل سرمایه‌داری را در شرایط بحران اقتصادی موجود بنمایش گذاشت.

حزب جمهوری اسلامی در قانون اساسی که در واقع منشور وی می‌باشد، از مشروعیت مالکیت دفاع نمود. شاید این امر می‌توانست ماهیت بورژوازی این حزب را نشان دهد، اما فریب کاریهای این حزب، هنوز در مجموع ماهیت و عملکردهای بورژوازی آن را برای عده‌ای در پرده ابهام نگاه داشته است.

حزب جمهوری اسلامی همانگونه که میدانیم در شورای انقلاب اکثریت را داشت و اساساً سیاستهای این حزب از کانال شورای انقلاب اعمال می‌شد. کمتر تردیدی میتوان داشت که سیاستهای شورای انقلاب در طول حیات خود چیزی جز تلاش در جهت حفظ و بازسازی سیستم سرمایه‌داری و مقابله با خواستهای بحق نوده‌های زحمتکش بوده است. این سیاست دقیقاً "مورد تأیید حزب جمهوری اسلامی بوده است. روزنامه ارگان این حزب در تاریخ ۲۴/۶/۵۹ ضمن ارزیابی سیاستهای شورای انقلاب، از این سیاستها بعنوان "عملکردهای درخشان" یاد کرد.

بهر حال هدف ما در این نوشته ارزیابی سمینار فوق الذکر است که از نهم تا پانزدهم تیرماه برگزار شد. این سمینار با سخنرانی دکتر باهنر، بهشتی و بعضی از برادران!! صنفی (از قبیل آقای علی اکبر استاد تاجر معروف و رئیس صنف آهن فروشان...) آغاز و همراه با صدور یک قطعنامه بکار خود پایان داد. آقای باهنر بعنوان مدخل بحث از این مسئله

سرکوبگران خلق دشمن همه خلقهای ایران هستند

اسلامی که منجاو از ۲ میلیون تومان در آن سرمایه اسمی دارد (در هنگام تاسیس بانک در اردیبهشت ۱۳۵۸) همچون یک ایدئولوگ سرمایه داری اظهار نظری کند.

این حق مسلم مالکین وسائل تولید است که با در اختیار داشتن وسائل تولید و استثمار کارگران سود معینی را که همانا ارزش اضافی است، بجیب بزنند و بر سرمایه خود بیافزایند و البته سوای اینکه این نرخ باید معقول باشد!! از نظر اقتصادی قابل فهم است و قابل قبول " چرا که نباشد؟

در جامعه ای که مناسبات سرمایه داری حاکم است، در جامعه ای که سرمایه حکومت می کند، حال بشکل متوسط اش باشد یا بزرگ، سرمایه داران این حق را دارند که با استثمار کارگران سود معقولی را بجیب بزنند. دکتر بهشتی ادامه میدهد... می گوید: " سرمایه در شکل مستقلات، این هم اگر برایش اجاره ای قائل باشیم، باز هم محدود و معتدل نه اینکه هر چه دلشان می خواهد، قابل فهم است." حال چه کسانی صاحب مستقلات هستند، چه کسانی مالک میلیونها تومان خانه، مغازه، باغ و امثالهم هستند، و در هر ماه در آمد کلانی از این طریق بجیب میزنند؟ روشن است که در اینجا نیز... سرمایه داران است در اینجا بروشنی می بینیم که دکتر بهشتی طبقه سرمایه دار را بنانه یک کل و سرمایه را بنانه یک رابطی اجتماعی در نظری می گیرد. منطق ایدئولوگ سرمایه (حتی اگر در یک بردن اصطلاحات ناشی باشد و یک اقتصاددان خیلی خوب هم نباشد) نه تنها سرمایه دار صنعتی حمایت می کند، بلکه از آن بخش سرمایه که به بخش ساختمان و مستقلات منتقل شده نیز حمایت می کند. ایشان با صراحت بیشتر موضع طبقاتی خود را نشان میدهد و می گوید: " گرفتن کرایه و سود برای سرمایه در شکل کالاهای ماندنی (مستقلات...) اجمالا " معقول و قابل فهم است.

تا اینجا دکتر بهشتی تکلیف سود معقول را در دو زمینه سود مربوط به ابزار و وسائل تولید و سود ناشی از سرمایه بصورت مستقلات!! روشن کرده است. اما در مورد سرمایه های در گردش کرامت می کند و آنرا از سودبری می داند " سرمایه بازرگانی نباید سود دهی داشته باشد " اما بلافاصله برای رفع هر گونه ابهام و روشن شدن وضع " سرمایه در گردش می گوید ناجری که ۳ میلیون نخود و لوبیای می خرد، حداکثر می تواند ۴۰ هزار تومان (برای خرج خود و شاگردان و مغازه و استهلاکات کالا) روی ۳ میلیون تومان کشیده و آنرا " سه میلیون و چهل هزار تومان فروخت "

همانگونه که در قسمت اول بحث دیدیم، دکتر بهشتی با صراحت از استثمار کارگران بوسیله سرمایه دار، بعنوان منشاء سود برای سرمایه تولیدی (البته با درک وی از مسئله) حمایت می کند، اما وی که " حذف کامل سود و بهره دهی سرمایه در گردش " را در دستور کار قرار میدهد، مبلغ ۴۰۰۰۰ تومان را از کجا به سرمایه تاجر اضافه می کند، روشن است که این نیز بخشی از ارزش اضافی است که به تاجر تعلق می گیرد. آن سه میلیون از کجا آمده است و چگونه میتواند در گردش باشد؟ چرا کارگران و شاگردان تاجر سه میلیون تومان ندارند؟ منبع انباشت سرمایه در کجاست؟ در حقیقت مسئله اینجاست که سرمایه داران و تاجرها از یکدیگر نمی توانند سودی دریافت دارند، سود تمام سرمایه داران - ناشی از استثمار کارگران می باشد. در روند تولید و تجدید تولید کل طبقه سرمایه دار، از کل ارزش تولید شده بوسیله طبقه کارگر بهره مند می شوند. پس ۳ میلیون تومان سرمایه فلان یا بهمان تاجر حاصل دسترنج کارگران می باشد و این روند انباشت سرمایه تا هنگامیکه سلطه طبقه سرمایه دار منکوب

نگردد، ادامه خواهد داشت. در اینجا بروشنی می بینیم که چگونه آقای بهشتی بازرنگی خاصی از سلطه و منافع سرمایه داران دفاع می کند.

**علت گرانی**

در ماده اول قطعنامه آمده " یکی از علل گرانی، احتکار و سودجویی افراد خود خواره و ناصالح است که در همفاکتل وجود دارند " باهنرو بهشتی نیز علت گرانی را همین سودجویی و افزون طلبی می دانند. و در مقدمه قطعنامه آمده است که " آن کارگری که با کم کاری و اختلاص میزان عرضه را کاهش می دهد... علت گرانی هستند.

حزب جمهوری اسلامی علت گرانی را سودجویی افراد می داند و ریشه آنرا در مناسبات سرمایه داری وابسته جستجو نمی کند. و این افراد ناصالح نیز در تمامی ایشار وجود دارند. طبعا کارگری که کم کاری کند نیز گران فروش است (اشاره به سخنان یکی از تجار در سمینار). حزب جمهوری اسلامی در لحظاتی که بحران جامعه را گرفته، مانند هر حزب سیاسی دیگر حاضر است افراد را قربانی حفظ مناسبات نماید. حزب جمهوری اسلامی ریشه گرانی و تمامی معضلات جامعه را در سرمایه داری وابسته نمی داند بلکه متوجه افرادی می داند. آیا دفاع از مناسبات موجود، در شرایط موجود بهتر از این ممکن است؟ از یکسو آقای بهشتی حاکمیت بی قید و شرط - برابر از تولید را مجاز می شمارد، دکتر باهنر وجود کارخانه دار را مشروعیت می دهد، قطعنامه و منشور اقتصادی حزب جمهوری اسلامی خواهان امکان رشد بخش خصوصی (ماده پنج قطعنامه) می باشند و از سوی دیگر سران حزب عوام فریبانه خواهان از میان رفتن گرانی نیز هستند.

بین المللی شدن روابط سرمایه داری و اینکه مناسبات اقتصادی حاکم، در ارتباط ارگانیک با نظام سرمایه داری جهانی قرار دارد، تسووم و گرانی را به همراه بحران تشدید شده، به جامعه ما سرایت می دهد. تا هنگامیکه این مناسبات وجود دارند، ریشه گرانی و احتکار... از میان نخواهد رفت. حزب جمهوری اسلامی علیرغم اینکه از احتکار بدمی گوید، اما از آنجا که به نفعی نظام سرمایه داری وابسته نمی پردازد و این بدلیل موضع طبقاتی اوست، عملاً برگرانی و تمامی مناسبات ناشی از سرمایه داری وابسته صحنه می گذارد.

**بهره**

قطعنامه سمینار و همینطور آقای بهشتی خواهان " حذف بهره از سیستم بانکی " هستند (ماده ۷ قطعنامه) " بنا بر این دولت باید سرمایه بدون بهره در اختیار افراد و شرکتهای تعاونی قرار دهد و این خود نقش مختکران و انحصارگران را به حداقل ممکن می رساند " (همانجا).

شاید گروهی این حرکت حزب جمهوری اسلامی را مبنای قرارداد بهره بر خدی دیگر مشعوف شوند و اینرا بعنوان یک حرکت ضد سرمایه داری از جانب حزب جمهوری اسلامی ارزیابی نمایند. این رفقا باید بدانند که احکام اسلامی حزب جمهوری، در حالیکه ربا و بهره رانی می کند، اما با هزاران کلاه شرعی و قسم آیه، با مقولاتی چون " بیع " " مضاربه " و " مصالحه " ترا مشروع می داند. و اگر این نیز کافی نباشد، باید به این رفقا بگوئیم نظر حزب جمهوری اسلامی، چیز عجیب و غریبی نیست. کیز بدنبال بحران سالهای ۳۲-۱۹۳۰ مسئله از میان بردن بهره را مطرح می کرد. و امروزه نیز برخی ایدئولوگهای

سرمایه جهانی (پتن برگر) و ایدئولوگهایی که تئوریهای " شمال و جنوب " (کشورهای پیشرفته و عقب مانده) را اختراع کرده اند، خواهان پرداخت وامهای بدون بهره به کشورهای تحت سلطه هستند تا سرمایه در آنجا تحریک پیدا کند.

تمامی مسئله در این است که حزب جمهوری اسلامی به حاکمیت و سیستم کار اجتماعی چگونه برخوردی دارد. همچنانکه دیدیم حزب در قانون اساسی مالکیت را مشروع می داند، باهنرو بهشتی و همینطور قطعنامه، اقتصادی و فرهنگی حزب طبقه ای را که مالک ابزار تولید است و در تولید شرکت ندارد (سرمایه دار) مشروعیت می بخشد. در شرایط معینی بویژه هنگام بحران و هنگامی که دولت منبع اصلی تامین اعتبار برای سرمایه داران است، حذف بهره نه تنها ضربات اساسی متوجه سرمایه داری نساخته بلکه موجب تحریک بیشتر آن نیز می شود.

**کارگر، سرمایه دار**

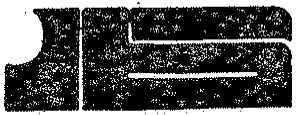
باهنرو بهشتی منکر وجود کارخانه دار نیستند. آنان بر استثمار کارگران نیز صحنه می گذارند. آنان در تمامی سخنرانی خود ابداً به تعدیل ثروت و محدود کردن مالکیت خصوصی اشاره ای ندارند. باهنر معتقد است که کارخانه دار سهم کارگر را می دهد و آنچه که افزون طلبی و نتیجتاً گرانی را در آدام می زند عبارتست از اینکه سرمایه دار خصوصی به میزان سود مناسب قانع نیست. عبارت طولانی زیر، نظر حجت الاسلام باهنر را بخوبی روشن می سازد.

" همان کارخانه داری که شخصاً " فرض کنیم کارخانه اش روی سرمایه خصوصی میگذرد. آن کارخانه دار به میزان درآمدی که از این کارخانه می خواهد داشته باشد و میزان سهمی که به سرمایه می دهد قانع نیست. یعنی میزان سود برای سرمایه گذار وقتی همراه شد با تکثیر، شد با افزون طلبی، بعد قیمت گذاری محصول این کارخانه می رود بالا؟ برای اینکه در قیمت گذاری یک سهمی برای حقوق کارگر است، یک سهمی برای مواد خام است، یک سهمی برای مدیریت است و یک سهمی برای فلان چیز تمام اینها حساب می شود یک سهمی هم برای سرمایه است. برای سود سرمایه به کم قانع نیست قیمت می آید بالا " و اضافه می کند " آیا واقعا " برای انسان گوار است که از آن بیچاره کارگری باز کارمند جزئی و از یک پیشه ور که ممکن است به زحمت در روز پنجاه تومان و هفتاد تومان درآمد داشته باشد، من از یک کیلو چغنی که به دستش می دهم بخواهم دو تومان، پنج تومان، ۶ تومان استفاده ببرم ".

چرا گوار نباشد آقای باهنر!! بسیار هم گوار است و نوش جان طبقه سرمایه دار که شما و شرکا نمایندگان آن هستید!! باهنرو بهشتی سود را در خدمت معقول آن مجاز می دانند. و تنها همین سود است که منشأ تمامی نابرابریهای جامعه می شود. تمامی مسئله در این است که سرمایه دار سهم حقوق کارگران را نمی دهد.

کارگران که بخشی از ارزش تولید شده را بعنوان مزد دریافت می دارند، در بازار وارد مبادله می شوند. مزد خود را برای خریدن کالاهای تولید شده خویشتن می پردازند. در اینجا سودی حاصل نمی شود. سود عمده ناشی از ارزش اضافی می باشد. ارزش اضافی بخشی از ارزش تولید شده کارگران است که بوسیله سرمایه داران تصاحب می شود. این است آنچه که اقتصاد سیاسی مارکسیستی کشف کرده و همین رهنمود ارزنده ایی است که تمامی سرمایه داران و نمایندگان سیاسی

**کنترل کارگری تنها راه مقابله با کمبود و گرانی**



# ● دشمنی هیئت حاکمه بانبروهای انقلابی

دولت جمهوری اسلامی که در طی نزدیک به دو سال پس از نیام به آشکارترین وجهی دشمنی خود را نسبت به نیروهای انقلابی نشان داده است و از هر فرصتی برای حمله و سرکوب فدائیان خلق و دیگر نیروهای انقلابی استفاده نموده است. این سیاست خود را با همان حدت و شدت در حین جنگ ادامه داده است. هیئت حاکمه در همان حالی که از طریق رسانه های گروهی و دستگاہها ی تبلیغاتی خود سعی می کند چسب و چسبانی کند که نیروهای انقلابی در مناطق جنگی حضور ندارند و شهر را ترک کرده اند، و مدام می پرسد که نیروهای انقلابی یا بقول آنها خلقی ها کجا هستند، در همان حال بیشترین فشار را در مناطق مذکور به نیرو های انقلابی وارد می آورد و مدام در پی شناسائی و دستگیری آنها هستند. خلخالی در محاصره ای که جندی پیش از صدای جمهوری اسلامی بخش شد فریاد برآورد که فدائیان خلق و محاهدین خلق با عراقی

ها یکسان اند و خوشان خلخال است. او در بخشی از مصاحبه خود می گوید: "ما در سوگند چند نفر را به جرم همکاری با دولت بعث عراق اعدام کردیم تا ستون پنجم دشمن عبرتی گرفته باشد که ما کوچکترین گذشتی نخواهیم کرد. حالا می خواهد فدائی یا مجاهد یا خلق عرب باشد." خلخالی در این مصاحبه خود به کشفترین شیوه متوسل شده و سعی می کند فدائیان خلق و محاهدین خلق را ستون پنجم دولت بعث عراق معرفی کند. آیا خلخالی و امثال او از رژیم منفور شاه عبرت نگرفته اند؟ آیا سرانجام، تمام دروغ پردازیهای رژیم مزدور شاه علیه نیروهای انقلابی که سعی می کرد آنها را وابسته و مزدور بیگانه معرفی کند برای توده های زحمتکش افتخار نشد که دولت جمهوری اسلامی هنوز هم همان شیوه های کهنه شده متوسل میشود؟ اما هیئت حاکمه بهمین جا تمنا عت نکرده و علاوه بر دروغ و افترا علیه نیروهای انقلابی، مدام در پی

شناسائی و دستگیری آنها است. روزنامه جمهوری اسلامی در تاریخ یکشنبه ۲۷ مهر ۵۹ از قول مسئول سپاه پاسداران خوزستان می گوید: "۱۹۰ نفر سر جاسوسان که در میان آن ها جبهه التحریر خلقی عرب و همچنین سه خانه جاسوسی و مزدوری متعلق به چریکهای فدائی خلق و گروه اشرف کشف شده که بیش از ۱۰ نفر از اعضای این سازمان دستگیر شده اند. در این خانه مقادیر زیادی اسلحه و مهمات و نارنجک نیز بدست آمده است. این مقام افزوده است پاسداران با تشکیل ستادهای مقاومت مردمی در مساجد و مدارس سعی و کوشش بی دریغی برای بازداشت و محدود کردن اینها مینمایند." اکنون برای توده های زحمتکش میهن ما این سؤال پیش می آید که کجا میک از ادعا های دولت را باور کنند. توده ها همیشه و در سخت ترین شرایط فدائیان خلق را در کنار خود دیده اند. در هر کجا که مبارزه توده ها در جریان است، فدائیان خلق در همانجا حضور

دارند و این امر بی اعتباری ادعاهای هیئت حاکمه را نشان می دهد. از سوی دیگر می بینند که دولت جمهوری اسلامی از هر فرصتی برای شناسائی و دستگیری انقلابیون کوتاه نمی کند، و حتی در مناطق جنگی ستادهای با صلاح مقاومت مردمی تشکیل میدهند، تا فدائیان و دیگر نیروهای انقلابی را بازداشت و محدود کنند. مسئله بقدر کافی روشن است. دولت جمهوری اسلامی فعالیت و مبارزه انقلابیون بیم دارد، و همه جا در تعقیب آنهاست. تمام دروغ پردازیها، افترا و تهمت علیه نیروهای انقلابی نیز در جهت این هدف دولت است. دولت جمهوری اسلامی بخوبی میدانند که فدائیان خلق مدافعین پیگیر زحمتکشان و دشمنان آشتی ناپذیر سرمایه داران، امپریالیست ها و تمام ضد انقلابیون آنها در خوزستان نیز در همان حال که پیگیرانه در مبارزه توده های مردم شرکت

می کنند، با آنها ما هیئت جنگ دولتهای ایران و عراق را توضیح میدهند. بتوده ها می گویند که این جنگ بهیچوجه در خدمت منافع توده ها نیست طبقات حاکم ایران و عراق این جنگ را برای فروخته اند و این جنگ در خدمت منافع سرمایه داران دو کشور است. طبیعی است که این سیاست که دقیقاً در خدمت منافع توده ها است نمیتواند مورد تأیید دولت جمهوری اسلامی که از منافع سرمایه داران دفاع می کند باشد. بنا بر این تعجبی ندارد که دولت جمهوری اسلامی همچنان جمهوری اسلامی بر علیه نیروهای انقلابی بدروغ متوسل می شود، و آنها را بازداشت نماید. اما نیروهای انقلابی همچنان پیگیرانه به مبارزه خود ادامه میدهند، و ما هیئت حاکمه را افشا می کنند.

## ● رژیم جنایتکار عراق ماهیت ضد خلقی خود را عریان ترمی کند

می شود و با شدت با فتن جنگ، ارتش مزدور رژیم ضد خلقی عراق بر حملات دیوانه وار و وسعانه خود به شهرها و مراکز مسکونی توده های بی دفاع و زحمتکش میهن ما افزوده است. مدارس و کارخانه ها را بمباران می کند و شهرها را به موشک می بیند. دشمنی با توده های زحمتکش که خصوصاً با رژیم رژیمهای سرمایه دار است. عرصه ها خود را نشان می دهد و سرمایه داران

بمنظور دست یابی به مطامع غارتگرانه و اهداف جنایتکارانه خود از هیچ جنایتی فرو گذار نمی کنند. رژیم ضد خلقی عراق نیز همانند تمام رژیم های سرمایه داری در حالیکه در درون کشور خود توده های زحمتکش آن کشور را سرکوب می کند، در جنگ با دولت ایران نیز این سیاست جنایتکارانه خود را علیه توده های زحمتکش ایران ادامه می دهد و دست به بیشترین

جنایات ضد بشری میرند رژیمهای ضد خلقی برای زندگی توده های زحمتکش بشری ارزش قائل نیستند برای آنها مهم نیست که گرنه کارگران، دهقانان و دیگر زحمتکشان در زیر بمبارانها و حملات موشکی حان می یازند، آنچه برای آنها مهم است دست یابی به اهداف غارتگرانه و جنایتکارانه شان است. جنایات جنگ هر روز ابعاد تازه تری بخود می گیرد و توده های

زحمتکش ایران و عراق قربانی سیاستهای دولتهای ایران و عراق می شوند. آنان که فریب داد میزند جنگ خوب است، اکنون چگونه میتوانند نمره این جنایتکارانه را برای مردم توضیح دهند؟ آیا جز اینست که این جنگ تنها و تنها در خدمت سرمایه داران ایران و عراق و امپریالیسم جهانی قرار دارد؟ سرمایه دارانی که امروز دوزخ

مناطق جنگی در خانه های امن راحت و آسوده زندگی می کنند، کارگران را بیشتر استثمار می کنند و همانند زالو خون توده های مردم را می مکند. آری جنگ دولتهای ایران و عراق برای سرمایه داران بسیار هم خوب است، اما نتیجه این جنگ برای توده ها چیزی جز فقر، نابودی، ویرانی، خانه خرابی و بی سرپرست شدن خانواده ها در بر ندارد.

## استقلال - کار - مسکن - آزادی

### سیاست های اقتصادی ...

بقیماز صفحه ۶۰

آنانرا نسبت به کمونیستها دشمن می سازد - در قطعنامه اقتصادی حزب جمهوری اسلامی به این مسئله اشاره می شود که "گروههای چپ ... با تبلیغات مسموم آتش کینه و حسد هارامشعل و مردم را علیه یکدیگر تحریک می کنند ، ادارای را علیه بازاری و بازاری را علیه اداری و کارگرا علیه مدیران به کم کاری تشویق و مدیران را به بدبینی علیه کارگران ترغیب می کنند . دولت اسلامی باید بر اساس اصل "قومی و بشری" همه را به خدمت یکدیگر فراخواند تا همه انگیزه سودجویی سرمایه داری به انگیزه خدمت در راه خدا تبدیل شود و هم انگیزه کارگران بجای ضربه زدن به تولید از خدمت بمردم لذت برده و تشویق شود . و با متخلفین از این آهنگ انسانی و اسلامی با قاطعیت رفتار شود ." ( ماده ۱۴ قطعنامه ) .

آیا وقاحت از این بیشتر . بله ، گروههای چپ کارگران را در مبارزه شان علیه سرمایه داری هدایت می کنند . کارگران کمونیست در کارخانه ها ، کمونیستها در میان زحمتکشان نوک تیز حملات خود را متوجه سرمایه داری وابسته خواهند ساخت . ماده فوق نیازی به توضیح بیشتر ندارد . تنها آن نیروهائی که قادر به درک سیاست بورژوازی حاکم بر حزب جمهوری اسلامی نیستند باید درک کنند و پیاموزند که این نمایندگان سرمایه داری وابسته ، چگونه از منافع سرمایه داری حمایت می کنند .

در ماده ۲ قطعنامه هنگامیکه از نظام قیمت گذاری سخن می رود تنها حضور " نمایندگان ارگانهای دولتی و صنعتی مربوط " ضروردانسته می شود . زهی بیش می که حداقل این نمایندگان بورژوازی در حرف از حضور مصرف کنندگان و زحمتکشان برای تعیین قیمت نامی بمیان نمی آورند . ارگانهای دولتی و صنعتی تشکیل شده تا ایشان فقط یک امتیاز بمخیرداران بدهند و آنهم " معیار برای شکایت " می باشد و نه حق شکایت . زیرا چنانچه به زحمتکشان حق شکایت و حق اعتصاب بدهند ، آنان از این حق استفاده خواهند کرد تا در جهت محو سلطه سرمایه دار و تا جرو وابسته قدم بردارند . اما چه حزب جمهوری اسلامی و قانونهای کارگدائی و قانون اساسی ، حق اعتصاب و حق شکایت را برای کارگران و زحمتکشان مجاز بدانند یا نه ( که نمی دانند ) . زحمتکشان میهن ما بالاخره سلطه سرمایه داری وابسته را از میان بر خواهند داشت .

حزب خواهان تشویق " اصناف به تشکیل شرکتهای تعاونی تهیه و توزیع " می باشد و از دولت خواهان " حمایتهای اعتباری و قانونی " از اینسان می باشد ( ماده ۴ ) .

حزب توده و شرکا " حتما " قند در دلشان باید آب شود . یکی از اساسی ترین مضامین راه رشد غیر سرمایه داری در اینجا نهفته است . اما در حقیقت تعاونی های تولید و توزیع نه تنها خواهان تغییر وجه تولید سرمایه داری نیستند بلکه نوعا " به آن کمک می کنند . تا زمانی که یک انقلاب اجتماعی محقق نگردد این تعاونیها در یک جامعه سرمایه داری وابسته به مرکز استثمار تبدیل می شود . بخصوص اینکه حزب جمهوری اسلامی خواهان ایجاد تعاونی های تهیه و توزیع بوسیله اصناف و تجار می باشد .

اگر تعاونی های مورد پیشنهادی سیموندی و پرودن ، از یک زاویه دید خرده بورژوازی است که در نهایت به نفع بورژوازی ختم می شود ، تعاونی های مورد پیشنهاد حزب جمهوری اسلامی باید بوسیله اصناف و تجار تشکیل گردد و اعتبارات بانکهای

دولتی و سرمایه بزرگ نیز در حمایت آن باشد .

### تجارت ، صادرات و واردات

باتوجه به سطح رشد سرمایه داری در ایران و مسلط شدن مناسبات تولیدی سرمایه داری و وابستگی سیستم اقتصادی به انحصارات امپریالیستی سرمایه سوداگر نمی تواند همچون دوران ماقبل سرمایه داری عمل کند .

سرمایه های تجاری امکان زیست مستقل را با توجه به رشد سرمایه داری وابسته دار نمی باشند و بصورت سرمایه متوسط وابسته ، در مدار تولید و بازتولید حرکت سرمایه عمل می کنند . حزب جمهوری اسلامی به این امر خوب آگاه است که بدون وجود وابستگی نمی تواند به حیات خود ادامه دهد . از یکطرف از منافع حاکمیت بورژوازی ایران حمایت می کند و از سوی دیگر سعی بر آن دارد تا از کانال رشد بورژوازی تجاری ، به نمایندگی کل سیستم سرمایه داری وابسته تبدیل شود .

در " سمینار بررسی مسائل اقتصادی و علل افزایش قیمتها " که بوسیله جناح بنی صدر برگزار شد ، کاظمی از دفتر هماهنگی مردم باریاست جمهوری چنین اعلام داشت که " یکی از مسائلی که باعث استعمار کشورهای جهان سوم شده ، مسئله تجارت بوده است و اگر ریشه یابی کنیم ۷۰ درصد از مستکبرین تجار وارد کننده بوده اند " ( انقلاب اسلامی ۵۹/۴/۱۲ ) .

در عین حالیکه جناح بنی صدر بارها و بارها به تجارت حمله کرده و با قطعنامه " سمینار انقلاب فرهنگی از تجار و وارد کنندگان حمایت کرده و سیاست شتر مرغی وزارت بازرگانی را به باد حمله می گیرد ، و اضافه می کند که " در صورت عدم حل مشکل تولید ، کالا از خارج سریع وارد شده و بازار اشباع شود ، اگر چه دولت در این مورد متضرر شود " ( ماده ۱۲ قطعنامه ) و " سیاست شتر مرغی وزارت بازرگانی باید به سیاست مسئولیت پذیری تبدیل شود و اگر بدلیل عدم تجربه یا آمار غلط و یا علل دیگر نتوانست نیاز جامعه را تامین کند ( چنانچه در مورد سیمان آهن ، خوراک دام و پاره چاره ... ) گناه آن را به تاجرو کاسب نسبت ندهد که اغفال مردم گناه بزرگی است " ( ماده ۱۰ قطعنامه ) و در مقدمه قطعنامه آمده است که دولت برای " وارد کنندگان مشکل را پیچیده تر می نماید " .

آقای کاظمی گناه را متوجه تاجران می داند در حالیکه حزب منکر این مسئله است . اما هیچکدام ، نه حزب نه آقای کاظمی و نه بنی صدر و نه بوری ( رجوع کنید به انقلاب اسلامی سه شنبه و چهارشنبه ۳۱ تیر و اول مرداد ۵۹ ) در راسته شمار توده های زحمتکش اختلافی ندارند و باید یکدیگر میثاق وحدت بسته اند .

**حزب جمهوری و بخش خصوصی ، ملی کردن**

ماده ۹ قطعنامه می گوید " هر جا وزارت بازرگانی بدلیل کمبود تولید داخلی تصمیم به ورود کالا می دارد و خود توانایی تهیه و عرضه آنرا ندارد و با اجازه به بخش خصوصی می خواهد که نیاز مصرف کننده برطرف گردد باید به بانکها و گمرکات تعلیمات لازم را در ایجاد تسهیلات بدهد " و در ماده ۵ آمده است " وزارت بازرگانی که مسئول اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی و در اختیار گرفتن بازرگانی خارجی است باید توجه داشته باشد که قبل از تشکیل سازمانهای عربض و طویل باید سعی کند از سیستم طبیعی موجود و با هزینه بسیار کمتر استفاده کند که

با کنترل و راهنمایی و نظارت دقیق بهتر میتواند اصل مذکور را اجرا نماید . در حالیکه تا سیس یک سازمان دولتی جدید نمیتواند جایگزین سیستم طبیعی باشد .

... مکانیسم تجارت دولتی ... بر مبنای تئوریهای غلط است که معمولا " دولتیان دچار آن هستند و ولی بخش خصوصی کمتر دچار آن میشود . " ( تاکید از ماست ) .

سیستم طبیعی موجود همان سیستم وارد کردن کالا و اشباع بازار از کالاهای وارداتی است . بخش خصوصی نیز به زعم حزب باید این مهم را انجام دهد و اصل ۴۴ قانون اساسی باید کنترل و راهنمایی و نظارت دقیق را بر عهده گیرد .

نکته ای که در قبل به آن اشاره کردیم در اینجا بطور ملموس خود را نشان می دهد سرمایه تجاری ، بدلیل وابستگی و نفوذ گسترده بانکها ، مجبور است از سوی خود را در ارتباط با دولت و سرمایه های صنعتی که امروزه عمدتا " دولتی هستند قرار داده و از سوی دیگر به تنگدستی نیز دست می زند . بدینگونه ارتباط انگلی خود را با سرمایه های وابسته نشان می دهد .

ملی کردن از نظر حزب ، بمعنای کنترل و نظارت و ایجاد تسهیلات از جانب دولت و بانک و گمرکات می باشد . حزب از ملی کردن ، دولتی کردن را نیز مد نظر قرار نمی دهد . برای حزب مسئله منافع بخش خصوصی مطرح است . آن بخش خصوصی که بدلیل وابستگی مالی و تکنیکی ، نمی تواند بدون ارتباط با سرمایه داری جهانی زیست کند . البته در حزب جمهوری اسلامی افراد و عناصری یافت می شوند که با مسئله بگونه ای دیگر برخورد می کنند . برای نمونه آقای کاظم بجنوردی در سخنرانی خود در جلسه علنی مجلس در تاریخ ۵۹/۴/۱۳ مسائلی را مطرح کرد که کاملا با قطعنامه حزب در تضاد قرار داشت . او گفت : " قانون ملی شدن بازرگانی این نیست که وزارت بازرگانی به بخش خصوصی بابه برخی از سرمایه داران اجازه بدهد که فلان کالا را وارد کند " او خطاب به تجار می گوید :

" توبه انداز یکسال و نیم پس از انقلاب مردم را غارت کرده ای " اما سیاست حزب رانه آقای بجنوردی و نه افراد و عناصری از این دست بلکه زغمای حزب نظیر ، آیت ، بهشتی ، رفسنجانی و امثالهم تعیین می کنند . آقای کاظم بجنوردی و امثال او باید درک کرده باشند که سیاست حزب جمهوری اسلامی ، همانند دولت جمهوری اسلامی ، دفاع از بورژوازی متوسط است ، و نه از خرده تولید کننده ، افراد و عناصر و یا جریانهای بسیار ضعیف خرده بورژوازی در حاکمیت ، در حزب جمهوری اسلامی ، در مجلس و غیره ، حتی اگر نیات حسنه نیز داشته باشند ، در شرایط موجود جززائنده بورژوازی چیز دیگری نیستند . دوستان ایشان در بخش مصادره اموال بنیاد مستضعفان چه کردند ؟ همان جواب خودشان " هر کار که می کنیم ، بازمی بینیم پیشرفتی در کار نیست " . ( البته طبق اطلاعی که بدست آورده ایم گویا ، آقای بجنوردی نیز تا حدودی بواقعیات پی برده است و بتازگی از حزب جمهوری اسلامی کنسار رفته اند ) .

**نتیجه گیری**

بررسی قطعنامه سمینار انقلاب فرهنگی بازار و سخنرانیهای رهبران حزب جمهوری اسلامی بوضوح هر چه تمامتر ماهیت بورژوازی حزب جمهوری اسلامی را تا آنجا می کند و نشان می دهد که حزب جمهوری اسلامی در این مورد نیز همانند موارد دیگر از منافع بورژوازی متوسط دفاع می کند ، نه از منافع خرده بورژوازی .

# زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند



# جنگ وحیله‌های سرمایه‌داران

## ایجاد پناهگاه مطمئن در کارخانه‌ها برای حفظ جان کارگران ضروری است

سرمایه‌داران ز الوصف با اتکا به حمایت دولت جمهوری اسلامی و با بیانه‌کردن مساله جنگ با عراق سعی دارند هر چه بیشتر شیره جان کارگران و زحمتکشان را بکنند و جیب‌های گشاد خود را پر نمایند. در این رابطه در کارخانه‌های مختلف تا می‌توانند به حیله‌های متفاوتی متوسل میشوند که برخی از آنها چنین است:

۱- به بیانه جنگ، دفاع از اسلام و میهن و... بر شدت کار کارگران افزوده اند و فشار بسیاری بر آنها وارد می‌کنند و در بسیاری از کارخانه‌ها ساعات کار اضافه شده و سرمایه‌داران سعی دارند با فریب و نیرنگ کارگران را در روزهای تعطیل نیز به کارخانه بکشانند.

۲- در بسیاری از کارخانه‌ها و کارگاهها سرمایه‌داران به بیانه اینکه در اثر جنگ بانکها پول نمی‌دهند یا اینکه تمام سرمایه در خطر است و امکان بمباران کارخانه هست و... از پرداخت دستمزد کارگران خود داری کرده‌اند.

۳- مقداری از دستمزد ناچیز کارگران را برای کمک به جنگ کسر نمودند (که معلوم نیست از کجا سر در بیاورد). در بسیاری از کارخانجات و کارگاهها به بیانه کمک به جنگ زدگان و بیابودن گاز و... غذای کارگران قطع شد و حتی پول آنرا نیز نمی‌دهند.

۴- سرمایه‌داران با توسل به خطر جنگ، در خطر بودن سرمایه و کارخانه و اینکه دیگر تولید صرف نمی‌کند "کارگران را در وحشت دائمی از بیگاری گه میدارند و از این طریق سعی دارند هر گونه اعتراض، کوشش در جهت احقاق حق و هر حرکت مبارزه جویانه را در نطفه خفه سازند.

۵- تجار با زار با استفاده از موقعیت جنگی با احتکار، ایجاد بازار سیاه و گرانیفروشی متوسل شده و از این طریق مقدار

زیادی از دستمزد ناچیز کارگران و زحمتکشان را به جیب می‌زنند. کارگران و زحمتکشان در مدت کوتاهی که از جنگ دولتتها میگذرد بخوبی مصائب و سختی‌های آنرا با کوشش و پوست خود لمس نموده‌اند. این توده‌های زحمتکش اند که مجبورند بار مخارج جنگ و خرابیهای آنرا بردوش خود تحمل کنند. فشار کار و تولید افزایش یافته گران‌تر و کمیابی اجناس پیدا می‌کند. مالیاتها سنگین تر می‌شود. پول ارزش خود را از دست داده قطع برق و آب بر مشکلات زندگی افزودم. فرار سیدن سرما و کمبود نفت زحمتکشان بی سرپناه را تحت فشار قرار داده و... تمامی این فشارها بردوش اقشار و طبقات زحمتکش و فقیر جامعه است.

سرمایه‌داران و زمینداران مفتخور و اقشار مرفه جامعه تنها تمامی اجناس را آنهم از بهترین نوع به هر قیمتی شده تهیه می‌کنند. با خرید و سائل گرانی قیمتی چون مولد برق خانگی همواره از برق برخوردارند. با دادن رشوه و پول اضافی تمامی سوخت مورد نیاز خود را تا می‌توانند می‌کنند. در خانه‌های گرم و نرم می‌گذرانند، بلکه از شرایط جنگی برای غارت، استثمار و چپاول هر چه بیشتر زحمتکشان نیز سود می‌برند و جیب‌های گشاد خود را پر پول نرمی کنند.

تمامی رفا، هـ و ا داران و کارگران و زحمتکشان مبارز و آگاه وظیفه دارند در هر کجا و به هر وسیله در عین توضیح مصائب و مشکلات ایجاد شده توسط جنگ ارتجاعی دولت‌های ایران و عراق حیله‌ها و نیرنگ‌های سرمایه‌داران در راه استثمار و چپاول هر چه بیشتر زحمتکشان و حمایت و چشم پوشی دولت جمهوری اسلامی در این مورد را افشا نمود و برای کارگران و زحمتکشان توضیح دهد.

کارگران و زحمتکشان بخوبی میدانند که سرمایه‌داران فقط و فقط ب فکر افزایش سود و درآمد خود هستند و در این راه تنها چیزی که برایشان کوچکترین ارزشی ندارد زندگی و جان کارگران و زحمتکشان است. بارها و بارها شاهد بوده‌ایم که بخاطر طمع و حرص و آز سرمایه‌دار چگونه کارگران و زحمتکشان جان خود را در کارگاهها و کارخانه‌ها از دست داده‌اند. سرمایه‌داران برای کسب سود هر چه بیشتر از تا می‌توانند حداقل وسایل ایمنی برای کارخانجات شانه خالی می‌کنند. همچنین ما بعد از تشدید جنگ دولت‌های ایران و عراق بارها و بارها حیله‌ها و نیرنگ‌های را که سرمایه‌داران توسط آن سعی دارند به بیانه جنگ بردارند و سود خود بیفزایند ذکر کرده‌ایم و گفته‌ایم که چگونه جنگ بیانه‌های برای بردن جیب این مفتخوران و استثمار و چپاول هر چه بیشتر کارگران و زحمتکشان است و چگونه در این راه دولت جمهوری اسلامی نیز با تمامی قوا از سرمایه‌داران حمایت می‌نماید.

یکی از بیشرمانه‌ترین و کثیف‌ترین این حیله‌ها را در مطلبی تحت عنوان "ستون پنجم چیست در روزنامه جمهوری اسلامی، ارگان حزب جمهوری اسلامی ایران (۵شنبه آبان) می‌بینیم. مقاله به صراحت

روشن می‌کند که چگونه سرمایه‌داران ز الوصف می‌خواهند برای افزایش سود خود کارگران را حتی در زیر بمباران و حملات هوایی به تولید و دارند و در این راه جان زحمتکشان برای آنها کوچکترین ارزشی ندارد.

حزب جمهوری اسلامی می‌نویسد: ستون پنجم می‌خواهد با استفاده از سادگی و صفای کارگران، تولید را کم کند، کما اینکه در یک کارگاه با اعلام آژیر قرمز فوراً دست بکار شده و با استفاده از گفتار گوینده رادیکال پس از هر آژیر می‌گوید دست از کار بردارید و به پناهگاه بروید می‌خواهند کار را تعطیل کنند، بلکه حزب جمهوری اسلامی می‌گوید: کارگران و بمباران که در زیر حملات هوایی و بمباران بخواهند به پناهگاه بروند ستون پنجم و ضد انقلاب و انقلابی کسانی هستند که با به خط انداختن جان خود در زیر بمباران نیز تولید کنند تا جیب سرمایه‌داران و حامیان آنها بیشتر پر شود. کاملاً روشن است که حزب جمهوری اسلامی می‌خواهد "با استفاده از سادگی و صفای کارگران" و با به خط انداختن جان آنها منافع سرمایه‌داران را هر چه بیشتر تا می‌تواند. کارگران و زحمتکشان! ما در این جنگ هر روز شاهدیم که در اثر بمبارانهای بی‌امان کارخانجات و مراکز

صنعتی، کارگران بسیاری جان خود را از دست داده‌اند. نمونه‌های بسیاری که در کارخانه‌هایی چون فولاد - نورد - ایران ناسیونال - صنایع هواپیمائی و هلی‌کوپتر سازی کارگران بر اثر بمباران جان خود را از دست داده‌اند شاهد این مدعا است. این مساله بخاطر آنست که سرمایه‌داران بجای ایجاد پناهگاه‌های مطمئن و مستحکم برای کارگران که در مواقع حملات هوایی بتوانند جان آنها را حفظ کنند - حتی در هنگام بمباران نیز آنان را به تولید و میدارند تا هر چه بیشتر جیب خود را پر نمایند. ما باید با توضیح کافی حیله‌های سرمایه‌دار به تمامی همکاران و هم‌زنجیران خود و با نیروی اتحاد و یکپارچگی کار فرما و سرمایه‌دار را وادار کنیم تا وسایل ایمنی لازم را برای کارخانه‌ها تدارک ببینند. بخصوص در موقعیت فعلی باید با مبارزه سرمایه‌داران را وادار کنیم تا کارخانجات را به پناهگاه‌های ایمنی مجهز کنند. تهیه و تدارک تمامی وسایل ایمنی و خاصه پناهگاه باید تحت نظارت کامل نمایندگان واقعی کارگران انجام گیرد تا سرمایه‌داران نتوانند جان کارگران را به بهای سود بیشتر بخطر بیندازند. هر کارخانه باید به یک پناهگاه مطمئن مجهز شود.

### کارگران و زحمتکشان مبارز!

در حالیکه سرمایه‌داران با استفاده از موقعیت جنگ بر اثر بالا بردن تولید و استثمار، احتکار، گرانیفروشی و حیله‌های دیگر هر روز جیب گشاد خود را پرتر می‌کنند، در اثر حملات هوایی و بمباران مراکز صنعتی جان انبوهی از کارگران زحمتکش میهن مادر خطر است. با اتحاد و مبارزه خود سرمایه‌دار را وادار کنیم تحت نظارت و کنترل نمایندگان واقعی کارگران کارخانه را به وسایل ایمنی لازم مجهز کنند. هر کارخانه باید به یک پناهگاه مطمئن مجهز شود

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

# اتکاء به نیروی توده‌ها برای صلح دمکراتیک در کردستان بکوشیم

# چهره واقعی مدعیان عدل اسلامی

روزنامه جمهوری اسلامی در تاریخ ۲۲ مهر ۵۹ اطلاعیه شماره ۷ ستاد امنیت کردستان را به این شرح چاپ کرده است: اغلب درگیریهایی شبانه سنج در محله آقازمان بوقوع پیوسته و این امر به علت عدم همکاری عدهای از سکنه این محله با ما موریس نظامی و همچنین وابستگی و مساعدت مردم این منطقه با ضد انقلاب است. لذا اخطاریه کسانیکه در شناسائی افراد مسلح و ضد مردمی همکاری نداشته و یا مبادرت به اختفای مهاجمین می نمایند برای اولین بار تا اطلاع ثانوی از رزاق عمومی و ما یحنا آجان قطع در صورت تکرار چنین مواردی تصمیمات شدیدتری در مورد آنان اخذ خواهد شد.

اعلامیه خود به حد کافی گویا و نشان دهنده چهره واقعی مدعیان عدل اسلامی و حامیان دروغین مستضعفین است و نیز از ددمنشی و بی شرمی صادر کنندگان آن حکایت می کند.

هر چند این وحشیگریها در باره خلق کرد تازگی ندارد و رفتار می شود. میدانند که کودک شیرخواره و پیر مرد زمین گیر، پیر

و جوان زن و مرد برای فانتوم های حکومتی فرقی ندارد و هر شهر و روستای کردستان هدفی است برای هواپیماها و خمپاره ها و نیز هدفی است برای در کردستان خلق کرد میدانند حکومت در برخورد با آنها هیچ حد و مرزی نمی شناسد و به هیچ قاعده ای پایبند نیست. زحمتکش کردستان "مهدور الدم" است "کافر حربی است" پس همه چیز بر او رواست.

خلق کرد میدانند که اکنون مدت ها است که کردستان در محاصره اقتصادی است و غذا و دارو آن به بزرگی محله بلکه بر تمام کردستان بسته اند.

اما سؤال این است اینان چگونه چنین جراتی یافته اند که اعلامیه بدهند که با ما همکاری کنید یا شمارا، شمارا از کوچک و بزرگ از گرسنگی هلاک خواهیم کرد. گویا اینان فراموش کرده اند که همین چند وقت پیش بود که خودشان بدروغ فریاد و فغان سرداده بودند که این خلقی ها آب و عذار اسرونی پاسداران ما بسته اند و یادشان رفته که برای تحریک احساسات مردم چگونه مظلوم نمائی در

آوردند و گریبان جاک میدادند که ای داد و ببید ادا این کردها قوا عدل جنگ را رعایت نمی کنند و سپاه مقابل را در محاصره اقتصادی قرار میدهند. بخاطر نمی آورند که در این باره چه دروغ ها بافتند و بر اساس آن چه سازاهائی که نوشتند زحمتکش کرد و نیرووهای انقلابی نکردند، حال چه شده که اینگونه و به یکباره پرده حیای دروغین خویش را می درند و در کمال وقاحت اعلامیه رسمی میدهند که ما آنچنان قدر تمندیم که نان و آب مردم را قطع می کنیم بر راستی که تاکنون جنگ دولت های ایران و عراق هر قدر برای زحمتکش دو کشور بوده برای شما این فایده را داشته است که در پناه هیاهوی جنگ بر شدت سرکوب خلق کرد بیافزاید و بخیاال خام خود می خواهید از آب گل آلود ماهی بگیرید و در حالی که ارتش عراق بر سر زحمتکش میهن مان خمپاره و بمب می ریزد شما هم فانتوم های پتان را بسراغ شهرهای کردستان می فرستید.

و چون سروصدای جنگ بسیار است دیگر شما احتیاجی به شهید نمائی و گرفتن قیافه

حق بجانب نمی بینید و برخلاف گذشته که آنجا که میکردید به گردن دیگران می انداختید و آنچه لایق خودتان بود به نیروو های انقلابی نسبت میدادید مسائل را وارونه جلوه داده و در نوشته ها و گفته های خود با ردیف کردن کلماتی که اثری در حد اعلای تحریک دارند می کوشیدید عصبیت و هیجان در خواننده و شنونده پدید می آوردید و البته در این کار دروغ و داستان دستما به همیشگی کارتان بود.

اما امروز برخلاف عادت معهود این نوشته تان تا حدی شباهت به کاری دارد که می کنید، جفا سانه ها که از استقبال گرم اهالی از نیرووهای نجات بخش نگفتید. اما امروز خودتان می گوئید مردم با شما همکاری نمی کنند که هیچ بلکه با نیروو های "ضدمردمی" همکاری می کنند و برای اینکه آنها تنبیه بشوند و با "نیرووهای مردمی" یعنی شما همکاری کنند رزاق عمومی و ما یحنا آجان قطع خواهد شد.

کار شما به اینجا کشیده است خدا بداد مساطه گران و مداحان حکومت برسد لا بد پورتونیست

های یا منبری خوان حکومت می دانند که محله آقازمان یکی از مناطق زحمتکش نشین سنج است چه شده که حکومت مترقی و خلقی و حامی مستضعفین (وهر صفت پسندیده دیگری که بلد هستند) با مردم این محله چنین می کند آنهم در این شرایط که ارتش عراق دائم بر سر زحمتکش میهن آتش می بارد. پاسخ را به زحمتکش سنج بدهید.

اگر امروز حکومت گوشه ای از آنچه که در کردستان انجام داده بیان می کند و چنین لحنی در اعلامیه بکار میگیرد گویای واقعی بیس مهم ترین هست و آن اینکه زحمتکش با مبارزه خویش حکومت را در شرایطی قرار داده اند که دیگر حتی ظاهر فریبی بدر دشمنی خورد و جز زبان تهدید ادا شکار زبان دیگری بکار نمی آید.

اما حکومت باید بداند که قطع نان و آب و نه بیماران مداوم شهرها و نه قتل عام اهالی کردستان نمی تواند و نخواهد توانست سدر راه پیروزی نهائی زحمتکش گردد.

## توطئه عوامل کارفرما در کارخانه تکنواجر علیه کسارگران

پس از آغاز جنگ اخیر که به نفع زحمتکش هیچیک از دو کشور نیست، سرمایه داران فرصت مناسبی یافتند تا به بهانه های گوناگون چپاول کارگران را افزایش دهند. که از آن جمله کارخانه تکنواجر می توان نام برد. در این کارخانه در روزهای اول مهر ماه یعنی بلافاصله پس از آغاز جنگ از طرف مدیریت اعلام می شود که به علت نداشتن بودجه، کمی تولید و شرایط جنگی موجود قادر به پرداخت کل حقوق کارگران نخواهد بود! و کارگران باید در ازای هشت ساعت کار فقط ساعت حقوق دریافت نمایند!

البته ستاد مدیریت به سخنان "امام خمینی" در زمینه خودکفائی و استقلال که بعنوان پشتوانه کلامش قرار گرفته بود لازم به بازگوئی نیست. این مسئله با اعتراض کارگران روبرو می شود. کارفرما که از عملی

کردن تصمیم خود عاجز می گردد زیرا که در مقابل اعتراض آنها به ما نورپرداخته و این امر را به بعد موکول می کند.

اما اودست بردار نبود. بهر حال باید از این شرایط استفاده می کرد و علاوه بر جلوگیری از ضررهای احتمالی بفکر سود بیشتر نیز می برد. لذا مسئله شیفت کار را مطرح می کند. او به بهانه اینکه عصرها برق قطع می شود (و استناد به دو سه روز اولی که اینطور می شد) می گوید باید شیفت کار عصرها تغییر نماید. وی که در رابطه با احضار به خدمت نیرووهای ذخیره ناچار به ترک کارخانه بود، قبل از رفتن با بخشی از کارگران بطور شفاهی قرار می گذارد که دو شیفت کار کارگران یکی از ساعت ۶ صبح تا ۵/۱۴ و دیگری از ۱۰ صبح تا ساعت ۵/۱۸ باشد. روز شنبه ۸ مهر ماه کارگران مطابق شیفت معمول محل کار

خود را ترک می کنند. و از آنجا که صحبت های فوق بطور رسمی و کتبی نبود به آن بهایی نمی دهند. اما عوامل کارفرما که از قبل در میان کارمندان مستقر شده بودند، به جنب و جوش می افتند. آنها با جمع کردن عده ای دیگر از کارمندان ابتداسعی می کنند مانع خروج کارگران شوند. اما چون موفق نمی شوند خود عوام قریبانه به سالن کارگری رفته و دست و پا شکسته ساعتی تولید را ادامه میدهند. آنها با خود شیرینی زیاد دست به تهیه صورجلسه ای بر علیه کارگران می زنند. و بدین ترتیب شکایات خود را بدرگاه حامیان خود، پاسداران ستاد عملیاتی بعثت ارائه می دهند. آنها گفته بودند کارگران درک نمی کنند که در این شرایط باید تولید را بالا ببریم! و خواستار این شده بودند که "محرکین" درون آنان توسط مسئولین شناخته و دستگیر شوند! بله عوامل کارفرما با تمام سرسپردگی خود این نکته را درست تشخیص داده بودند: کارگران عملی بینند که

جنگ برای آنها جز فشار بیشتر و بدبختی هیچ چیز ندارد. آن ها بیرو را نیز درک خواهند کرد، همچنانکه در شروع جنگ هیچ نقشی نداشتند در هدایت و خاتمه آن نیز نمی توانستند دخالت داشته باشند.

عوامل کارفرما همچنین لیستی از کارگران تهیه نمودند به نگهبانی کارخانه ارائه میدهند تا از فردا مانع ورود این کارگران گردند. و بایستی شرمی یکی از کارگران جدیدالاستخدام را رسماً اخراج می نمایند.

صبح ۴شنبه ۹ مهر ماه کارگران سرکار خود حاضر می شوند و وقتی از اخراج یکی از همکاران و ممنوع ورود شدن تعدادی دیگر مطلع می گردند، کار را شروع نمی کنند آنها با اتحاد و یکپارچگی خود خواهان بازگشت کارگران می شوند و بدرستی برای این نکته تاکید می نمایند که "تا آنها نیابند کار را شروع نخواهیم کرد". عوامل کارفرما متعجب مقاومت نمی آورند. عقوبت نشینی کرد و کارگران اخراجی به آغوش همکاران خود باز می گردند و کارگران یکبار دیگر

طعم پیروزی را که در اثر اتحاد شان بدست آمده بود می چشند. در مورد شیفت کار نیز بالاخره با حضور پاسداران مسلح، عوامل کارفرما و کارگران قرارداد بیست می شود که بعد از این اجرا شود. لازم است گفته شود تصمیمی که در این جلسه با حضور نیرووهای مسلح گرفته می شود، همان خواستی بود که کارفرما از ابتدا مطرح کرده بود نکته مهمی که در رابطه با این واقعه بعنوان یک ضعف عمده به چشم می خورد، عدم حضور یک شورای فعال و واقعی در رابطه با مسائل مطرحه برای کارگران می باشد. شورای این کارخانه که در زیر فشارهای مدیریت و دفتر کارخانه عملاً به انحلال کشیده شده است هر چه زودتر باید تشکیل گردد. کارگران با تشکیل مجمع عمومی و انتخابات مجدد برای تعیین نمایندگان واقعی خود اساسی ترین نقش را در ایجاد این شورا ایفا خواهند کرد. تشکیل این شورا بهترین راه مقابله با تمام توطئه ها است که بر علیه کارگران طرح می شود.

## ۳ ساعت کار در هفته خواست همه کارگران است



ترمیم و بازسازی راه  
روستا و دریافت پول  
از بخشداری و مردم بابت  
مرمت جاده و رفع دیگر  
نیازهای روستا بوده  
است.

زحمتکشان آزاده -  
یوسف آباد اکنون  
دریافته اند که تنها  
با اتحاد و همبستگی  
می توانند حقوق خویش  
را بدست آورند. آن  
ها در عمل و به تجربه  
دریافته اند که با تشکیل  
شورای واقعی  
می توانند در مقابل ستم  
و اجحاف سرمایه داران  
و ملاکین انگل و مفتخوار  
بایستند و پیروز شوند.

## ● مبارزه پیروزمندان شورای دهقانی روستای یوسف آباد اطمش

بودند. شورانه تنها  
توانست دست سرمایه  
دار و عوامل حکومتی  
را کوتاه کند، بلکه  
با فشار به بخشداری اطمش  
آنرا وادار کردند شورا  
را به رسمیت بشناسد.  
از اقدامات دیگر  
این شورای روستایی  
دریافت سهمیه سیگار  
از دخانیات رودسرسر  
و توزیع آن بین  
روستائیان و درخواست

هر ساله با فروش آب به  
روستائیان زحمتکش  
برای مشروث کردن  
مزارع، چندین هزار  
نومان بدست می آورد،  
به هر نیرنگی متوسل  
شد و عوامل حکومتی را  
بکمک طلبید تا جاه را  
دوباره از دست روستا -  
ئیان خارج کند اما از  
آنجا که زحمتکشان روستا  
متحد شده و به حمایت از  
شورای خویش برخاسته

حرکت انقلابی خود را به  
شمر برسانند و آن مصادره  
جاه آرتزین ارزشمندی  
بود که متعلق به شخص  
سرمایه داری به نام  
"مهندس شمس الدین  
غروی" املاشی عضو حزب  
"ملت ایران"  
بود که ده ها هزار تومان  
ارزش دارد که در حقیقت  
از خون روستائیان  
زحمتکش ساخته شده بود.  
سرمایه دار مزبور که

روستای یوسف آباد  
ز توابع بخش "املش"  
بهرستان رودسر در دامنه  
توابع سرسبز پوشیده از  
بای قرار گرفته است.  
این روستا بیست  
تا سی (۲۵) سکونت  
رند که زندگی بسیار آسوده  
پول بدجای، برنج و مرکبات  
پر تنگال) می گذرد.  
این روستا از حداقل  
مکانات بی بهره بود.  
ما اهالی آن با اتحاد  
همبستگی توانستند  
برق منطقه ای به روستا  
بیاورند. زحمتکشان  
بین روستا همچنین با  
یجاد شورای انقلابی  
توانستند اولسین

## گرامی باد ۱۳ آبان

### سالروز مبارزات قهرمانانه دانش آموزان ایران

بقیه از صفحه ۱

به منافع زحمتکشان خیانت میورزد.  
دانش آموزان مبارزمیهن مان که  
سیاست های ضد انقلابی و ضد مکرراتیک  
هیئت حاکمه را با گوشت و پوست خود  
لمس کرده اند به مبارزه با این سیاستها  
برخاسته اند. آنها بخوبی نشان دادند  
که نه تنها علیه رژیم دیکتاتوری شاه  
مبارزه کرده و قهرمانیها، آفریده اند  
بلکه علیه هر حکومتی که منافعی  
زحمتکشان را با بمال سازد مبارزه  
خواهند کرد.

دانش آموزان مبارزمیهن مان  
هم اکنون برای حفظ دستاوردهای  
قیام و تعمیق و گسترش جنبش ضد  
امپریالیستی دمکراتیک خلقهای  
ایران فعالانه و پیگیر مبارزه می کنند  
آنها:

- از شوراهای واقعی و آزادی فعالیت  
های سیاسی در مدارس دفاع می کنند.
- اخراج معلمین و دانش آموزان -  
انقلابی را از مدارس محکوم می کنند.
- ایجاد جو احتیاج توسط انجمن های  
اسلامی را در مدارس افشا می کنند.
- از مبارزات بحق کارگران،  
دهقانان و زحمتکشان میهن مان، از  
مبارزات خلق کرد، ترکمن و... دفاع  
می کنند.
- ماهیت ارتجاعی جنگ بین دولت  
های ایران و عراق را برای توده ها  
توضیح می دهند.
- بر لزوم مقاومت مسلحانه مستقل  
توده ها در مناطق جنگ زده تاکید  
میورزند.
- جهت کمک رسانی به مجروحین  
و مصدومین و توده های مناطق جنگ در  
کمیته های مختلفی که بطور مستقل  
بدین منظور تشکیل می گردد شرکت  
می کنند.
- برای مقابله با مشکلات و مصائب  
ناشی از جنگ توده های مردم را در  
کمیته های مختلف محلی سازماندهی  
می کنند.
- اتحاد عمل نیروهای انقلابی  
را گسترش می دهند.

آموزان انقلابی اخراج می کردند.  
دانش آموزان کرد در کردستان  
در نتیجه تهاجم و سرکوب ارتش و  
پاسداران به خاک و خون کشیده میشوند  
مدارس در کردستان و لرستان تعطیل  
شده و دانش آموزان از تحصیل محروم  
گشته اند. اکنون متجاوزان زکیما هست  
با جنگ خانمان براندازی که توسط  
دولتهای ایران و عراق به زحمتکشان  
ایران و عراق تحمیل شده است،  
دانش آموزان در غرب و جنوب کشور از  
خانه و کاشانه خود آواره گشته و زیر  
بمباران قرار گرفته اند.

جنگ غیر عادلانه و ارتجاعی بین  
دولتهای ایران و عراق، زحمتکشان  
را با مشکلات و مصائب فراوانی  
روبرو ساخته است. کمبود رزاق عمومی  
کمبود نفت و بنزین، خاموشی های  
شیانه، بمباران های هواپیما،  
سی خانمان شدن بسیاری از توده های  
زحمتکش در مناطق جنگ زده، کشته شدن  
توده های مردم و غیره... همگی ثمرات  
مشقت با رنج تحمیلی کنونی به خلق  
های زحمتکش میهن مان می باشد.

حاکمیت که خود را مدافع منافع  
زحمتکشان و انمود می سازد، درست در  
لحظاتی که این جنگ خانمان سوز  
حریان دارد، خلق کرد را بمباران کرده  
و توسط نیروهای مسلح جمهوری اسلامی  
سرکوب می کند، نیروهای انقلابی را  
دستگیر می نماید، نشریات انقلابی را  
توقیف می کند، حقوق دمکراتیک توده  
های مردم را با بمال می سازد جو  
احتیاج و خفقان را تشدید می کند و از هر  
گونه ابتکار انقلابی توده ها مانع  
بعمل می آورد.

حتی در مناطق جنگ زده نیز  
حاکمیت از حرکت مستقل توده های  
مردم و نیروهای انقلابی و مقاومت  
مسلحانه آنان جلوگیری می کند، توده  
های مردم را خلق سلاح می کند و در پشت  
پرده از انحصارات امپریالیستی سلاح  
و تجهیزات نظامی می خرد، ارتش ضد  
خلق را تقویت می کند و بدین ترتیب

رژیم دیکتاتوری شاه ایفا کردند.  
آنها با شور و تحرک فوق العاده شان  
به خیابانها ریختند، در تظاهرات و  
راهپیمائی های عظیم مردم شرکت  
کردند، با سنگ، چوب گلوله مولوتوف و  
هر آنچه بدستشان می رسید به مقابل  
با ارتش و دیگر نیروهای مسلح رژیم  
برخاستند در شرایطی که حکومت نظامی  
در شهرها برقرار بود عملانیروهای  
مسلح را فلج ساختند. نیروی عظیم  
پرشور و تحرک دانش آموزان بر استی  
رژیم را بست و آورده و ناتوان ساخته  
بود.

نقشی که دانش آموزان در قیام با  
ساختن بارگاهها در خیابان ها، حمله  
به مراکز جو رژیم دیکتاتوری شاه  
و... ایفا کردند از نمونه های ک  
نظیری بود که در قیامهای توده ای رخ  
داده است.

توده های دانش آموزان شور و شوقی  
بی مانند در قیام و سرنگونی رژیم  
دیکتاتوری شاه شرکت کردند به امید  
آنکه پس از سرنگونی آن به خواست  
های بحق خویش دست یابند. آنها  
می پنداشتند حاکمیتی که پس از سرنگونی  
رژیم دیکتاتوری شاه بر مسند قدرت  
می نشیند، در جهت پاسخگویی به خواست  
های واقعی و رفع هرگونه ستم و  
محو استعمارگام بر خواهد داشت. اما  
امروز پس از گذشت متجاوزان یکسال و  
نیم از قیام به عینه مشاهده می کنند  
که حاکمیت کنونی نه تنها در جهت  
تحقق خواسته های اساسی توده ها  
اقدام نمی کرده، بلکه دستاوردهای  
آنان را که در قیام کسب نموده بودند  
مورد بیورش و تهاجم قرار گرفته است،  
با ایجاد شوراهای واقعی دانش  
آموزان مخالفت می شود، فعالیت  
سیاسی در مدارس ممنوع اعلام میگردد،  
معلمین مترقی و انقلابی به سبانه های  
مختلف اخراج می گردند، دانش  
آموزانی که در صفوف مستقل ورزش  
می کنند مورد تهاجم قرار گرفته و اخراج  
میشوند، از مشکل شدن دانش

# جنگ کنونی و مسئله...

بقیه از صفحه ۱

## خلع سلاح توده‌ها در هنگام جنگ

اگرند، نمی‌توانست در شرایط مسلح باقی ماندن توده‌ها برنامه‌های شوم خود را عملی سازد.

بهر حال تمام دشمنان خلق هر یک بگونه‌ای از همان فردای پیام در جهت اجرای برنامه‌های خائنه و ضد خلقی خود گام نخست را خلع سلاح توده‌ها داده‌اند و با تمام نیرو در جهت عملی کردن آن گام برداشته‌اند، این سیاست همچنان ادامه یافته و امروز نیز در شرایطی که زحمتکشان میهن ما زیر باران ها راکت‌ها، و کلوله‌های

ارتش مزدور رژیم ضد خلقی عراق قرار دارند، با زهم نغمه خلع سلاح توده‌ها را شرمی دهند، نه تنها توده‌ها را خلع سلاح می‌کنند بلکه تاکنون تعداد زیادی از هموطنان زحمتکش میهن ما را با همان قانونی که رژیم ضد خلقی شاه برای سرکوب توده‌ها و استقرار رژیم ترور و خفقان وضع کرده بود مجرم داشتن اسلحه غیر مجاز محاکمه کرده‌اند بسیار جالب است که

بدانیم دولت جمهوری اسلامی در همان حال که بمنظور خلع سلاح توده‌های مردم اطلاعیه صادر می‌کند، در تبلیغات شبانه روزی خود از مردم خوزستان دعوت می‌کند که شهرها را ترک نکنند و بدون داشتن کوچکترین وسیله دفاعی از شهادت استقبال کنند! آیا این خود ما هیت واقعی رژیم جمهوری اسلامی را نشان نمی‌دهد؟

ما یکبار دیگر اعلام می‌کنیم که هرگونه خلع سلاح توده‌ها تحت هر پوششی تنها بشفع امپریالیسم، سرمایه داران وابسته و تقویت موضع ضد انقلاب است.

تنها رژیم‌هایی از تسلیح توده‌ها وحشت دارند و توده‌ها را خلع سلاح می‌کنند که هیچگونه اعتقادی به توده‌های زحمتکش ندارند. و از منافع آنان دفاع نمی‌کنند.

ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی با آغاز جنگ طی اطلاعیه‌ای از مردم خواست که سلاحها و تجهیزات را که توده‌ها بهنگام قیام علیه رژیم مزدور شاه بدست آورده‌اند به ارتش تحویل دهند!

مدور این اطلاعیه در بحبوحه جنگ و در شرایطی که ارتش جنا بیگانه رژیم عراق انواع وانسام سلاحها را علیه توده‌های سیدفا عمیهن ما بکار می‌گیرد، چه معنای جز اعمال سیاستهای ضد انقلابی در جهت خلع سلاح توده‌های زحمتکش میتوان داد داشته باشد.

خلع سلاح توده‌های سیاسی است که دولت جمهوری اسلامی از همان فردای قیام در پیش گرفت و امروز نیز در بحبوحه جنگ این سیاست را ادامه می‌دهد.

پس از قیام جناحهای مختلف هیئت حاکمه که با یکدیگر به سازش و توافق دست یافته بودند، همه چیز را تمام شده اعلام نموده و از مردم خواستند که بخانه‌های خود باز گردند و سلاحهای خود را تحویل دهند.

نمایندگان سرمایه داران در حکومت جمهوری اسلامی که بخوبی آگاه بودند بدون خلع سلاح توده‌ها نمیتوانند وظیفه خدمتگزاری به سرمایه داران ایران و امپریالیسم جهانی را انجام دهند. پیگیرانته شعار خلع سلاح را مطرح کردند.

دولت بازرگان که در پی بندوبست با امپریالیسم آمریکا و دفاع از منافع سرمایه داران و بازاری سیستم سرمایه داری وابسته بود نمیتوانست در شرایطی که توده‌ها مسلح هستند، مقاصد خود و خائنه خود را عملی کند.

ارتش ضد خلقی که در پی توطئه علیه خلق بود و تلاش می‌کرد که با استفاده از شرایط مناسب با یک کودتای نظامی تمامی دست آورده‌های قیام خونین خلق را نابود

چه قبل از جنگ و پگرا نشای همین جنگ توسط ارتش و سایر نیروهای مسلح رژیم جمهوری اسلامی جهت سرکوب خلق کرد و ترکمن و توده‌های زحمتکش میهنمان بکار گرفته شده است و در آینده نیز پس از خاتمه یافتن جنگ در خدمت همین اهداف ضد انقلابی بکار گرفته خواهد شد. حتی رژیم جمهوری اسلامی قبل از جنگ نیز با توجیهات مختلف نظیر " مبارزه با ضد انقلاب " به بازسازی و تجهیز ارتش می پرداخت، و فقط جنگ کنونی فرصت مناسبی بود تا آشکارا این سیاست‌هایی پرده و عیان و با شدت به مراتب بیشتری به پیش برده شود. و روشن است که این تجهیزات چگونه و از کجا تامین خواهد گردید و در این رابطه چه سودهای کلانی به جیب انحصارات امپریالیستی سرازیر خواهد شد. تصویب نامه، دست و زبرد دفاع و فرماندهان ارتش را در خرید تجهیزات نظامی باز گذاشته و تصریح می‌کند:

" ماده ۳ - وزارت دفاع ملی و ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی و فرماندهان نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران مجاز به نگهداری ارزهای خارجی در یکی از دارائیکهای مربوطه که مناسب تشخیص می‌دهند می‌باشد. تشخیص میزان ارز مورد نیاز با مقامات مذکور در بالا میباشد.

مسلم است این ارزها که " تشخیص میزان مورد نیاز " آن نیز با وزارت دفاع ملی، ستاد مشترک و فرماندهان نیروهای مسلح جمهوری اسلامی است. بنا به تشخیص آنها به جیب انحصارات امپریالیستی امریکائی و اروپائی روانه خواهد شد. و قراردادهای اسارت با برتری به مردم میهن ما تحمیل خواهد گردید و بار این جنگ به انحاء مختلف بر دوش زحمتکشان میهن قرار خواهد گرفت.

تصویب نامه هیئت وزیران درباره اعتبارات جنگی که هدفی جز تقویت ارتش ضد خلقی و سایر نیروهای مسلح جمهوری اسلامی را در بر ندارد، گامی است دیگر در جهت تقویت ارتجاعی ترین محافل و تحکیم نیروهای مسلح برای سرکوب توده‌های زحمتکش میهنمان.

همه انقلابیون موظفند با افشاء اهداف ضد انقلابی این تصویب نامه نتایج آزار برای توده‌ها توضیح دهند.

اهداف ضد انقلابی حکومت را از تخصیص اعتبارات هنگفت برای جنگ افشاء می‌کنند. جنگ بین دولتهای ایران و عراق نیز فرصت گرانبهائی بود برای هیئت حاکمه جهت تقویت همه جانبه ارتش. تحکیم موقعیت آن و صرف بودجه‌های هنگفت برای تجهیز کردن آن با سلاحهای مدرن. جنگ آنچنان شرایطی را بوجود آورد که حتی اختلافات و رقابتهای دو جناح اصلی حاکمیت در ایران یعنی لیبرالها و سران حزب جمهوری اسلامی بر سر کسب قدرت برتر در ارگانهای دولتی تحت الشعاع قرار گرفت و علیرغم اختلافات شان، هر دو جناح به تقویت ارتش همت گماشتند.

زمامداران جمهوری اسلامی امروز تلاش می‌کنند ارتشی را که قبل و بعد از قیام همواره توده‌های زحمتکش میهنمان را سرکوب کرده‌است، ۱۷ شهریورها را آفریده‌است، خلق کرد و ترکمن را به خاک و خون کشیده‌است، فاجعه‌هایی نظیر دهکده‌فاران را بوجود آورده‌است، ناجی ملت و مدافع حقوق زحمتکشان و نمود سازند.

پس از آغاز جنگ، کودتا چینی که دستگیروندانی شده بودند، آزاد شده بر سر پست‌های سابق خود بازگشتند. بسیاری از فرماندهان مزدوری که پس از قیام باز نشسته شده بودند به خدمت فراخوانده شدند و موضع ارتجاعی ترین عناصر در ارتش بیش از پیش تقویت گردید. و اخیراً " نیز هیئت وزیران با تصویب نامه جدیدی، اعتبارات لازم! را جهت تجهیز کامل ارتش و نیروهای مسلح در اختیار روزبرد دفاع و فرماندهان نیروهای مسلح قرار داد. این تصویب نامه صریحاً " میگوید:

" ماده - (هدف) ایجاد تسهیلات لازم در امر خرید و تامین نیازمندیهای نیروهای مسلح جمهوری اسلامی در زمان جنگ " تبصره بند اول ماده ۳: " کلیه قراردادهای منعقد از محل اعتبارات عملیات جنگی طبق مفاد قرارداد قابل پرداخت می‌باشد.

البته تامین نیازمندیهای نیروهای مسلح جمهوری اسلامی محدود به زمان جنگ نمی‌گردد بلکه همین تجهیزات

مارکس وانگلس جنگ را از جانب آلمان بدلیل نقش عینی تاریخی مترقی آن " تدافعی " و از جانب فرانسه تجاوزکارانه ارزیابی می‌نمودند، ماهیت جنگ را غیر عادلانه

می‌دانستند. اولین مانعست شورای کل در این باره می‌نویسد: " جنگ آلمان، یک جنگ دفاعی است " و سپس از بیانیه کارگران نومی سورسن چنین نقل می‌کند:

" آیا این جنگ عادلانه است؟ نه! آیا این جنگ ملی است؟ نه! این جنگ تنها دعوی دودودمان سلطنتی است. ما به نام بشریت، دموکراسی و منافع حقیقی فرانسه، بطور کامل و بیمنتهای نیرو، اعتراض بهن الملل علیه جنگ را تأیید می‌کنیم.

مارکس وانگلس علیرغم " تدافعی " بودن جنگ از جانب آلمان در آغاز بعلمت خصلت غیر عادلانه این جنگ مخالفت بیل ولینکشت را با اعتبارات جنگی تأیید نمودند. لنین در این مورد می‌نویسد:

" حتی در آغاز جنگ آنها امتناع بیل ولینکشت را از دادن رای موافق به اعتبارات جنگی مورد تأیید قرارداد دندوبه سوسیال دموکراتها توصیه می‌کردند که با بورژوازی همگام نباشند، بلکه از منافع طبقاتی مستقل پرولتاریا دفاع نمایند.

(لنین جنگ و سوسیالیسم) در جنگ جهانی اول، که جنگی امپریالیستی بود لنین سوسیال دموکراتهایی را که به اعتبارات جنگی رای مثبت داده بودند خائن به طبقه کارگر شمرده و ماهیت سوسیال شونیستی آنان را که تحت پوشش " دفاع از میهن " از منافع بورژوازی امپریالیستی خودی دفاع میکردند، فاش کرد و نشان داد که چگونه آنان تحت لوای " دفاع از میهن " ماهیت ارتجاعی جنگ امپریالیستی را از انظار توده‌ها پنهان میدارند.

مارکسیست هادریک جنگ ارتجاعی و غیر عادلانه تقویت حکومت خودی، از جمله رای دادن به اعتبارات جنگی یا تأیید آنرا سرود شده و



# ● چه کسانی از تقویت ارتش دفاع می کنند؟

همانگونه که مکرر در نوشته های چند هفته اخیر توضیح داده ایم یکی از اهدافی که امپریالیسم و سرمایه داران ایران در جنگ ولت های ایران و عراق دنبال می کنند، مسئله تقویت ارتش، انسجام آن و کسب نفوذ و اعتبار برای آن در میان توده های زحمتکش میهن ما بوده است. افشای این مسئله و نتایج و عواقب آن برای توده های زحمتکش درست در بحبوحه جنگ و در شرایطی که یک موج ناسیونالیستی و دفاع از ارتش سرسرا بر ایران را گرفته است کار بیست سیار دشوار، اما وظیفه ایست سنگین بردوش همه نیروهای انقلابی. ما که از منافع توده های زحمتکش دفاع می کنیم، ما که خود را پیشرو میدانیم و وظیفه داریم که درست در چنین شرایط دشواری وظیفه انقلابی خود را در قبال طبقه کارگر و توده های زحمتکش انجام دهیم، حقایق را با آنها بگوئیم و صورتها را آگاهانه بنماییم. ممکن است امروز توده های ناآگاه در مقابل ما بایستند، بحرفهای ما توجهی نکنند، حتی مبلغین ما را کتک بزنند و مدافعین سرمایه داران نظیر لیبرالها و حزب جمهوری اسلامی به انواع و اقسام اتهامات را بزنند، اما حقایق برای همیشه پنهان نمی ماند، توده ها آگاه می شوند، و خود در زندگی و تجربه روزمره به واقعیات پی می آورند. حتماً بیاد دارید که هنگامی که ما با زرگان نخست وزیر منتخب امام و دارودسته "لیبرال" جناح اورا افشا می کردیم، بسیاری از توده های مردم بحرفهای ما توجهی نداشتند. آنها نظر به اعتمادشان به حاکمیت نمی پذیرفتند که نخست وزیر منتخب امام در جهت منافع سرمایه داران و امپریالیسم گام بردارند، اما چیزی نگذشت که حقایق بر ملا کشت خیا نتهای او به خلق روشن شد و توده های زحمتکش میهن ما پی به ماهیت بازرگان و امثال او بردند.

بیاد دارید، هنگامی که نامبار مدنی مزدور را افشا می کردیم و سرکوب زحمتکش خوزستان را توسط او، برنامه امپریالیسم و سرمایه داران معرفی کردیم، توده های ناآگاه نمی پذیرفتند و او را یک شخصیت ملی میدانستند، اما بزودی توده های زحمتکش میهن ما پی بردند که او مزدور امپریالیسم آمریکاست.

بیاد دارید هنگامی که ما پس از قیام خواستار تسلیح خلق، بمنظور تدویم انقلاب و حمایت از پرتل انقلابی ارتش و تشکیل شوراهای انقلابی مرکب از سربازان، درجه داران انقلابی و افسران جزء انقلابی بودیم و هشدار میدادیم که اگر ارتش با ساخت کتونی خود حفظ شود، همین ارتش دست به هزاران توطئه و سرکوب خواهد زد، هنوز مسئله برای بسیاری از توده های زحمتکش روشن نبود تا اینکه سرانجام خود بتجربه طرح توطئه کودتار از سوی ارتش ضد خلقی دیدند و امروز نیز وظیفه ما ست در شرایطی که امپریالیسم و سرمایه داران می کوشند تا با استفاده از شرایط جنگ مقاصد خائنانه شان را عملی کنند، واقعیت را بتوده ها توضیح دهیم. با آنها بگوئیم ارتش دست پرورده شاه مزدور و وابسته به امپریالیسم آمریکاست نیست که در خدمت توده های مردم باشد و از منافع آنها دفاع کند، نمی توان با تغییر و تعویض چند مهره و تغییر نامها هیئت آن را تغییر داد. این همان ارتشی است که هزاران نفر از توده های زحمتکش را بقتل رساند، همان ارتشی است که تا آخرین لحظات قیام رودر روی خلق ایستاد و تنها زیر ضربات کوبنده توده های قیام کننده و بخاطر جلوگیری از، از هم

پاشیدگی بیشتر بدستوار با بان خود حاضر به عقب نشینی شد. تا در موقعیت مناسب اهداف شوم خود را عملی سازد.

این ارتش، ارتشی است سر تا پا وابسته و در خدمت امپریالیسم و سرمایه داران وابسته ایران، ماهیت آن نمی تواند با اضافه شدن نام "اسلامی" به آن تغییر کند و توبه و استغفار سران و امرای ارتش در سرسپردگی آنها با امپریالیسم تغییری پدید نمی آورد. اعتراف این واقعیت را حتی از دهان پاره های دست اندرکاران حکومت نیز بارها شنیده ایم.

یکی از نمونه هایی که آیت الله گیلانی حاکم شرع دادگاه های انقلاب در روزنامه انقلاب اسلامی در تاریخ ۱۹ شهریور از عا ن میدارد نمونه بازرگانان نمونه مشابه است. او میگوید، یکی از امرای ارتش که در دادگاه گرفتار شد و بعد مورد عنایت دولت جمهوری اسلامی و عفو امام قرار گرفت سپهبد مهدیون بود و اضافه میکند "که خود من پس از عفو، نامبرده را احضار کردم و به او گفتم: "تیمسار دولت جمهوری اسلامی نیاز مند به افرادی چون شما در جهت پدافندی و حفظ آسمان ایران دارم شما تلاش کنید از اینجا که بیرون رفتید به دشمنان امام و رئیس جمهور نپیوندید یک چندی حسن سابقه نشان دهید تا شما را بخد مت بکاریم و خود وی میافزاید که بعد از چند روز که از آزادی سپهبد مهدیون گذشت او را بار دیگر بجرم توطئه دستگیر کرده و اینبار اعدام کردند" این نمونه ها که در طی دو سال گذشته همیشه تکرار شده است، همواره میزان لطف و بخشش گردانندگان جمهوری اسلامی را به عمال امپریالیسم و خائنین به مردم نشان میدهد. امر او افسران ارتشی که یک شبه مسلمان و مردمی شده اند اینبار در پوشش اسلام بیخه جنایت های خود ادامه میدهند.

گردانندگان جمهوری اسلامی در طی این دو سال نه تنها توده ها را مسلح و آماده برای مبارزه علیه امپریالیسم ننموده اند بلکه به خلع سلاح توده ها و نیروهای مترقی همت گماشته اند. و در عوض کودتا جیان را آزاد کرده و بخد مت گرفته اند و لابد اگر جنگ زود تر شروع میشد آن عده معدود را هم که بجرم شرکت در کودتا اعدام کرده بودند تبرئه کرده و ارتش اسلامی را تکمیل مینمودند و اکنون آنها هم "حر" گشته و با جزو عقابهای آهنین بال بودند. سران جمهوری اسلامی بازگشت امر او افسران فراری را مورد تأیید قرار داده و استقبال نموده اند در کیهان شنبه ۵ مهر در پاسخ به درخواست امر او افسران ارتشی خارج از کشور که مایل به بازگشت به پست های قبلی هستند ارتش جمهوری اسلامی ایران مینویسد: ضمن تقدیر از این وفاداران با شرف و علاقمندان به اسلام و وطن اسلامی ایران امیدوار است که همه نیروها و قدرتهای انسانی در خدمت حکومت "مستضعفین" که ودیعت خداوندی است درآید.

بعد از قیام، "پاک سازی" که البته هدف اصلی آن تصفیه و اخراج نیروهای مترقی از سازمانها و موسسات بوده تا تصفیه عناصر ضد خلقی، در ارگانها بعمل آمد ولی همین مختصر "پاک سازی" که از امر او ساواکیها و ضد اطلاعاتیها شده بود اخیراً با دعوتی که طی اطلاعیه های شماره ۱۲۱ تا ۱۲۷ ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران از افسران و امرای بازنشسته و مستعفی ارتش جهت همکاری بعمل آمده است خنثی گردید.

در اطلاعیه شماره ۱۲۱ آمده "برای اینکه همکاران ما که از نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران بازنشسته شده اند نیز بتوانند دین خود را به میهن اسلامی ایران ادا کنند بدین وسیله از کلیه افسران و درجه دارانی که قبلاً در زرهی و توپخانه و مخابرات خدمت میکردند و از اول مهر سال ۵۶ تاکنون بازنشسته، باز خرید، یا مستعفی شده اند دعوت مینماید برای دفاع از اسلام و ایران به برادران خود بپیوندند.

امروز آنهایی که مدام در پی این بوده اند تا ارتش را بطور کامل بازسازی کنند و آنرا در خدمت مقاصد شوم خود علیه زحمتکشان بکار گیرند نه تنها منفورترین عناصر ارتش را که زیر فشار توده های مردم و پرسنل انقلابی ارتش تصفیه شده بودند، بلکه می گردانند، بلکه مینه مناسی برای تقویت پیوند های ارتش با امپریالیسم جهانی بویژه امپریالیسم آمریکا، از طریق تجدید قرارداد های خرید تسلیحات و غیره پیدا کرده اند.

آنهاز مینه مناسی یافته اند تا در میان توده های مردم تبلیغ کنند که اگر ارتش همانند دوران رژیم مزدور شاه نیرو مند بود، ارتش مزدور رژیم ضد خلقی عراق نمی توانست بمیهن ما حمله کند. آنها تبلیغ می کنند که اگر مزدوران که تصفیه شده اند، سرکار برگردند، ارتش مجدداً نیرو مند خواهد شد. اما نمی گویند که اگر رژیم جمهوری اسلامی از فردای قیام توده ها را خلع سلاح نکند بود و زحمتکشان خوزستان را سرکوب نکرده بود. اگر پرسنل انقلابی، سربازان، این فرزندان کارگران و دهقانان و درجه داران و افسران جزء انقلابی را زیر فشار قرار نداده بود، و شوراهای آنها را درهم نکوبیده بود، اگر بجای ارتش ضد خلقی، ارتشی پدید آمد بود نظیر ویتنام، حتی امپریالیسم آمریکا با تمام سلاحهای مدرنش قادر به مقابله با یک چنین ارتشی نبود و شکستش حتمی بود تا چه رسد به ارتش مزدور رژیم ضد خلقی عراق.

امروز نمایندگان سرمایه داران و عوام مسل امپریالیسم، از ارتش نیرو مند صحبت می کنند، اما نمی گویند که رژیم مزدور شاه با تکیه همین ارتش نیرو مند میهن ما را در بست در اختیار امپریالیستها بویژه امپریالیسم آمریکا قرار داده بود و همین ارتش نیرو مند نه تنها هر صدای حق طلبانه توده های زحمتکش میهن ما را در گلو خفه می کرد بلکه خلقهای تحت ستم منطقه نظیر خلق فلسطین، خلق ظفار و خلقهای دیگر منطقه را نیز سرکوب می کرد و امثال فلاجی ها و ظهیر نژادها در اسارتش قرار داشتند. ما امروز یکبار دیگر بتمام هموطنان زحمتکش خود می گوئیم که تقویت ارتش یعنی تقویت ضد انقلاب، تقویت ارتش یعنی تقویت موضع سرمایه داران و امپریالیسم در میهن ما.

تقویت ارتش بهیچوجه در جهت منافع خلقهای تحت ستم منطقه نیست بلکه تنها بفتح امپریالیسم و سرمایه داران وابسته ایران است. ما می گوئیم بازسازی ارتش بهر بهانه ای خیانت به توده ها است. ما می گوئیم بجای تقویت ارتش توده های مردم باید مسلح شوند. ما می گوئیم که تنها خلق مسلح خلقی که در ارگانهای توده ای متشکل شده باشد قادر است در مقابل هرگونه تجاوزی ایستادگی کند.

## پیروز باد مبارزات ضد امپریالیستی. دمکراتیک خلقهای ایران



# خاطرهٔ صیادان شهید گرامی باد

مردم زحمتکش گیلان!

در مهرماه سال گذشته، رژیم جمهوری اسلامی یکبار دیگر دشمنی خود را نسبت به توده‌های زحمتکش میهن با نشان دادن دودر پاسخ به خواست‌های حق طلبانه صیادان بندرانزلی، آنها را به گلوله بست. طی روزهای ۲۲ و ۲۳ مهرماه ۵۸، هفده نفر از زحمتکشان بندرانزلی بدست پاسداران سرمایه بشهادت رسیدند اما این جنایت جمهوری اسلامی علیه توده‌های زحمتکش نه تنها کمترین خللی در مبارزه آنها برای گرفتن حقشان پدید نیاورد بلکه باعث شد مصمم تر و پیگیرتر از گذشته بمبارزه خود ادامه دهند.

بادشان گرامی و خاطره‌شان جاویدان باد

مردم زحمتکش گیلان!

سال پیش در چنین روزی سینه صیادان زحمتکش انزلی آماج گلوله‌های پاسداران قرار گرفت. در تاریخ ۲۲ و ۲۳ مهرماه ۵۸، اعتراض بحق صیادان انزلی علیه گردانندگان شیلات و سرمایه داران، بخون آغشته شد و ۱۷ شهید و دهها زخمی برجای نهاد. حاکمیت ضد انقلابی که کینه اش نسبت به زحمتکشان برکسی پوشیده نیست، از دستگا‌های تبلیغاتی خویش فداکاران خلت را مسبب این واقعه دانسته و تبلیغات وسیعی را علیه سازمان ما سازماندهی نمود. اعتراض وسیع زحمتکشان گیلان علیه این جنایت جمهوری اسلامی و افشای نیروهای انقلابی باعث شد که حاکمیت ضد انقلابی برای خاموش کردن خشم بحق صیادان و سرکوب نیروهای انقلابی اجباراً صیادان را آزاد اعلام نماید. اما این آزادی صید پس از گذشت یکسال ماهیت عوام فریبانه خویش را برای صیادان زحمتکش عیان ساخته است. امروز صیادان زحمتکش انزلی شاهد آنند که چگونه ما حیوان‌تورهای بزرگ یعنی سرمایه داران نو-سماک‌ها آزادانه با استثمار صیادان بی‌ناب به صید آزاد مشغولند، در صورتی که صیادان زحمتکش انزلی خواهان کنترل صید توسط اتحادیه صیادان شمال بوده‌اند.

مردم مبارز گیلان!

رژیم جمهوری اسلامی در یکسال گذشته با تبلیغات وسیع علیه فدائیان خلق و سایر نیروهای انقلابی کوشش نمود که بین کارگران و زحمتکشان با نیروهای انقلابی جدایی افکند و همانگونه که شاهدید در این کارنا موفق ماند زیرا که فدائیان همواره در دفاع از منافع توده‌های خلق جان برکف آماده مبارزه اند و این پیمانی است ناگسستنی که فدائیان با خلق زحمتکش ایران بسته‌اند و به گواه خلقهای قهرمان ایران در هر کجا که صدای حق طلبانه‌ای توسط مزدوران جمهوری اسلامی سرکوب شود، فدائیان خلق پیشاپیش توده‌های زحمتکش علیه این سرکوب مبارزه خواهند کرد.

در سه هفته‌ی گذشته مردم آگاه و مبارز ایران شاهد یک جنگ قدرت طلبانه بین دولتهای عراق و ایران هستند، جنگی که با تمام ظواهر فریبنده بسود سرمایه داران آغاز شده و بزبان زحمتکشان هر دو کشور بیابان خواهد رسید. دولت ایران میکوشد که در بین توده‌های ناآگاه خود را ضداً میریالیست و حامی زحمتکشان جلوه دهد تا با بسیج هر چه بیشتر مردم در این جنگ ارتش وابسته را منسجم نماید. اما همه آگاهانند که این دولت از مسلح کردن مردم و بویژه کارگران بی‌مناک است و حتی از این جنب نیز برای سرکوب نیروهای ضداً میریالیستی و انقلابی ایران بهره میجوید. اخراج کارگران مبارز و معلمان مترقی در سراسر ایران بهترین محک شناسائی این دولت با صلااح ضداً میریالیستی است. در چنین شرایط حساسی وظیفه ما و همه نیروهای انقلابی است که از یکسویا محکوم کردن این جنگ با فاشی ماهیت ارتجاعی آن پرداخته و از سوی دیگر با بسیج و مسلح کردن توده‌های زحمتکش از طریق شوراهای کمیته‌های محلی در مناطق جنگ زده دفاع از منافع توده‌ها بپردازیم. اتخاذ این سیاست انقلابی از جانب سازمان باعث شده که نیروهای مزدور جمهوری اسلامی بیش از پیش بر علیه سازمان ما تبلیغ کنند و حملات خویش را علیه رزمندگان سازمان ما در مناطق جنگ زده گسترش دهند، زیرا که ما خواهان مسلح کردن مردم هستیم و دولت جمهوری اسلامی خواهان خلع سلاح مردم.

## صیادان مبارز گیلان

در یکسال گذشته سازمان ما ضربات سنگینی را متحمل شده است. تبلیغات وسیع حاکمیت ضد انقلابی و بسیج نیروهای جماعتدار و گروههای تروریستی حزب جمهوری اسلامی علیه سازمان ما از یکسو و تسلیم طلبی بخش قابل ملاحظه‌ای از کارکنان رهبری کننده سازمان، "کمیته مرکزی" از سوی دیگر باعث شده که نتوانیم بطور فعال و وابسته‌ای نیروهای خود را در ارتباط مستقیم با شما زحمتکشان بندر قرار دهیم، اما مطمئنیم که با تلاش پیگیر هواداران صديق سازمان این ارتباط هر چه زودتر با محتوای انقلابی اش برقرار خواهد شد و متحدان در جهت تشکیل اتحادیه سراسری صیادان شمال مبارزه خواهیم کرد و با اتحاد و یکپارچگی خود مشت محکم دیگری بر دهان ما حیوان‌تورهای بزرگ و حامیانشان در دولت جمهوری اسلامی خواهیم کوبید و راه صیادان شهید را ادامه خواهیم داد.

درد بر صیادان شهید و تمام شهدای بخون خفته خلق

مستحکم باد اتحاد صیادان مبارز با نیروهای انقلابی

نابود باد امپریالیسم جهانی سرکردگی امپریالیسم آمریکا و پابگاه خلیجش

سازمان جریکهای فدائی خلق ایران - شاخه گیلان

۵۹ / ۷ / ۲۳

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضداً میریالیستی  
دمکراتیک خلقهای ایران است

بقیه از صفحه ۱۶

# ● اخبار جنگ خوزستان

مهاجرین بادی و خرمشهری است جمعیت بسیار انبوهی را تحمل کرده است (بیش از صد هزار نفر). میگ ها ارتش مزدور عراق بقصد تخریب ساختمان سیاه و ژاندارمری که مجاور هم است حمله کردند لیکس راکت ها به هدف نخورد و در خاک منفجر شد. در پشت بام ژاندارمری تنه های تیرباران ۳۰۰ متر داشت که موقع حمله میگ ها هیچکس پشت آن نبود.

● روز جمعه ۲۵ مهر توخانه عراق دارخوین را کوبید. سازمان آب دارخوین که

ب مصرفی شادگان - پترو- شیمی - حمیدیه را تا مین میکند برای این حمله آسب دید. سربازان محافظ سازمان که فقط ۳۰۰ - داشتند همراه کارمندان سازمان آب گریختند.

● روز جمعه ۲۵ مهر توخانه ارتش عراقی ها شهرشوش و نواحی اطراف آن را به شدت کوبید. دودا ز برخی نقاط مسکونی شهر با آسمان بلند است. در شهر پرنده پرنمیزند. توپخانه مزدور عراق مزارع اطراف حاده شوش به شوشتر را تا حد کیلومتری میزنند و

خود حاده در چند نقطه آسب دیده است.

● در شهر دزفول نیز خرابیهای بسیاری از جنگ ارتجاعی دولتهای ایران و عراق بیار آمده است. در این شهر عمق فاجعه بخاطر حمله های موشکی عراقیها شدیدتر است. تا بحال دزفول دوبار و هربار بشکلی شدید و وحشیانه مورد حمله موشکی قرار گرفته است. انفجار موشک ها تا شعاع صد متری را ویران کرده و خانه های گشت و گلی اهالی را بر سرشان ریخته است. در این

حمله ها بیش از دویست نفر از زحمتکشان دزفول جان خود را از دست داده اند ولی شهر به نسبت اهواز شلوغ تر است و مغازه ها اکثرآیا زهستند. مردم بنماشای نقاط ویران شده میروند و با دیدن خانه خرابی ها و ویرانی ها جنگ لعنت میفرستند. در سطح شهر از آمدورفت آدمهای مرفه شهرنشانی نیست. دیوارها پراستار آگهی های ختم و ترحیم و تدفین و شهادت جوانان ● ساعت ۵/۵ صبح روز دوم آبان ماه نبرد نا عا دلانه ای که بین دولتهای ایران و عراق جریان دارد یک شلیک توپخانه، او وحی تازه گرفت. گلوله های عراقی به کارخانه نورد اهواز خورد و آتش سوزی شدیدی به

وجود آورد، آتش با زحمت بسیار خاموش شد اما دود غلیظی نیمی از شهر را پوشانده بود. ساعت چهار بعد از ظهر هم چند گلوله به شهر شلیک شد که به محله کمیلو خورد ولی آسیب جانی نداشت.

● در حمله به حسینیه اعضاء هوازدونفر کشته و هفت نفر زخمی شدند.

● ساعت یک روز اول آبان به راه ۲۰ نفر حمله هوایی شد و ساعت چهار هم از روز خیابان نظامی چهار راه و کیلی به ساختمان و کالت گلوله خورده و یک نفر کشته و سه نفر زخمی شدند که این سه نفر روز بعد جان خود را از دست دادند.

روزه ۳۰ مهر بهداری مسجد سلیمان مورد حمله هوایی دشمن قرار گرفت که چهار نفر کشته شدند.

# ● شادگان، پناهگاه مردم جنگ زده ...

بقیه از صفحه ۱۶

بعد از زیاده در اطراف شهر زده شده است. در هر جا در یک یاد و خانواده پناه گرفته اند. تمام می این مهاجرین عربی باشند و با اندک وسایلی که هنگام فرار از شهر توانسته اند با خود بیاورند با سختی مشکلات بسیار، خانه خرابی این جنگ را تحمل میکنند. غیر از آن سوه جا درها که در ردیفهای منظم زده شده، مردمی که جا درسه آنها نرسیده است در مدرسه مسجد، نخلستانها و حتی پیاده روها و حیاط اداره ها را اشغال کرده و اثاث خود را بیین کرده اند. شهر به چهار بنا نواحی دارد که طوهر کدام صفی طولیل کشده شده و اینگونه صفها که تا بد طولش به صدها متر رسد جلوی کارخانه پتروشیمی و شرکت گاز و شعبه فزونی نفت هم دیده میشود. جلو ساختمان جهاد سازندگی آبخندان صف طولیلی برای گرفتن نان وجود دارد که بیش از بیان زده با سدار مسلح از سرقراری نظم آنها جزند. به هر عرسه نان لیواش میدهند و این برای خانواده های زحمتکش کافی نیست. هر خانواده چهار یا پنج بچه دارد.

این است که اغلب طلو جا درها نشان تنور درست کرده اند و بنا میزنند. برای شستن ظروف و لباس ها از آب رودخانه ای که از وسط شهر میگذرد استفاده میشود و از هر دو طرف، تا دور دست زن و مرد را مشغول شستشو میتوان دید. اینها زحمتکشانی هستند که درد و رنج و محرومیت سالهای زندگی شان را جنگ فزونی داده. خانه های اکثرشان بر اثر اصابت راکت میگها و توپخانه مزدوران عراق ویران شده است. خانواده های بسیاری عزیزان خود را در مبارزات از دست داده اند، و سایر یل زندگی شان را در زیر آوار مانده و با رها شده است. زیرپا شان بقیه موج میزند و در این اردوگاه برای روشن کردن آتش محسوسه هم جمع کنند و با مراتب سباز آتش درست کنند.

ولی بیست ماه است سرباز رژیم جمهوری اسلامی هیچ گونه قدمی جهت بهبود وضع ایشان که بخش و شرفی از محروم ترین مردم میهن ما را تشکیل میدهند بر نداشته نشده است. اینک نیز جنگی که جز بیچارگی و آوارگی و خانه خرابی

مفروسیکاری و ستماری از معان دیگری برای آنها ندارد. گریبان گریبان شده، عزیزان شان را گرفته و خودشان را آوارده کرده است.

صبح روز جمعه ۲۵ مهر ساعت ۹/۳۰ شادگان مورد حمله دومیک عراقی قرار گرفت. میگ ها وحشیانه هجوم کرده و با پرواز در ارتفاع یائس هر کدام بندر اکت برای تخریب ساختمان سیاه یا سداران و ژاندارمری پرتاب کردند که با صد متر طول از هدف منفجر شد. اگر فقط کمی طولتر راکت ها منفجر میشدین اجند هزار تن که در صف نان ایستاده بودند هفت و پنج شده و عده اتن کشته و مجروح میشدند. این حمله که اولسن حمله در طول جنگ به شادگان بود موجب وحشت بسیار مردم شد. آنها مویه کشان به نخلستانها میگریختند، کودکان گریه کنان سراجای ممانندند و در دست و پا میرفتند. زنها زمین میغلطیدند و به هر دو دولت ایران و عراق فحش میدادند. این جمعیت محروم انسانی هرگز جزا از میان جا درها و پناه نخلستانها با جان

فریاد و فغانی مشتافتند که عمق نفرت زحمتکشان را از غیرت جنگ دولتهای بورژوازی نمایان میساخت. عمده ترین مشکل این اردوگاه مساله بهداشت آن است که با توجه به منحصربودن بیمارستان شادگان و چند دارکمکهای اولیه حلال حمر کمبود امکانات کما ملاحشم می خورد. این امر خصوصاً با توجه به عدم رعایت مسائل بهداشتی و بی نظمی ها فوری است. خطرناک میماند با توجه به گرمای آفتاب جنوب و جمعیت فراوان آنها جزین، خطر ابتلا به بیماریهای واگیر فراوان است.

ایا نگاه رژیم در این زمینه است که بیشتر نخل طرمسائلی مانند سبزه رکن و جنگ با سداران آنها عربها در سال گذشته، هنگام اجتنابنداری مسی مزدور، سست بوده بعینف تر شده است.

بشتر جوانان با از آنکه شلحه با آنها نمیدهند عصائی هستند و میبرسند آنهمه توب و تانک ارتش کجاست، چرا نمی آیند؟

فانوا بی فعلی در جنگ با عراق اثر روحی عمیقی

گذاشته و بدبینی نسبت به رژیم را افزایش داده است. در نما طول اردوگاه در آن روزی که می بودیم یک روحانی ندیدم، پاسداران و ژاندارمری شادگان جز نعلنگ ۳۰ و چند تیربار سلاح دیگری ندارند و مردم این برایشان مساله است. آنها بعد از حمله میگ ها میبرسند پس این آتشها کجاست و چرا را بدو هر روز دروغ میگویند. چندتا میگ را انداختیم. عدم اعتماد به اخبار رادیو با رزیرس ساله ای بود. بندر اهواز و شادگان و دارخوین و اندمشک دزفول دیدم. این مناطق چون خود در معرض مستقیم حمله قرار دارند و با هد تیمار از این میگهای عراقی و فرار آنها هستند کوچکترین اعتمادی به رادیو اخبار دولتی ندارند.

شهر شادگان که این روزها بیش از هر چیز با آوار و اردوگاههای خلق فلسطین است، یکبار دیگر بوضوح نشان میدهد که جنگ فعلی غیر عا دلانه است و در طول جنگ و بعد از آن جز فقر و خرابی و کشتار برای زحمتکشان هیچ چیز نیست.

# پرتوان باد جنبش طبقه کارگر پیش از مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

# ● اخبار جنگ خوزستان

## ● شادگان، پناهگاه مردم جنگ - زده آبادان، اهواز و خرمشهر نیز بمباران شد

بیدار کردن وسله علیه در شهرماندگار شده و سبب بسیار حوادث را دنبال میکنند.

● قسمت جنوبی میدان شهدای شهر اهواز بر اثر حمله مگ های عراقی نکلی ویران شده است. گویا مگ ها بمقد حمله به محاسبات آمده و اشتباهات آنها را هدف گرفته اند.

تعدادی کشته و محروج نتیجه این حمله بوده است. ● روز جمعه بیست و پنج همدومینگ عراقی ساعت ۹/۳۰ صبح شهر شادگان را مورد حمله قرار دادند.

این شهر که پناهگاه عمده بقیه در صفحه ۱۵

با آسان طبق مقررات زمان جنگ رفتار خواهد شد و این در حالی است که ۹۹٪ کسبه شهر را تخلیه کرده و بشهره دیگر رفته اند. کارمندان خانواده خود راه شهرهای امن فرستاده اند و در قسمت شرقی شهر اهواز در چند روز مین شهراسر میکنند و رورها هم اکثر آنها در همان نزد زمینها سربسیرند.

● سبب از بود و بیخ در مردم شهر اهواز را ترک کرده اند، عراقی معدودی از جوان های شهر بقیه کسانی که مانده اند فقیر ترسناک تر شهری را تشکیل میدهند، آنها هم با طر

روزهای چهارشنبه، پنجشنبه و جمعه (۲۳، ۲۴ و ۲۵ مهر) قسمت غربی شهر اهواز که لشکر اهواز و ادارات شهر در آن واقع است از صبح تا غروب آفتاب مورد هجوم توپخانه عراقی بود. ترمافها باتوپهای عمده - خمپاشهر را میگویند و در قسمت غربی کاروان کسرا دارا و خانه ها ویران شده است. تمام مردم این قسمت شهر را تخلیه کرده اند. ارباب دکان به توپخانه عراقی آنها حرات داده میشود.

● طبق سخنانی که از کارمندان دولت اظهار شده که با دستر کارهای خود حاضر شدند و در صورت عیب

اصفهان آسیران و با تهران رفته اند. اما توده مردم و جمعیت عظیم زحمتکشانشان تا آنجا که توانسته اند از شهرهای جنگ زده فرار کرده و به مناطق امن تر پناه برده اند. شادگان یکی از این شهرها است. این روزها جمعیت شهر که حدود ده تیان کرده هزار نفر بوده به بیست از صد هزار نفر رسیده و موج انسان ها فشرده و خوراک در هم کوجه ها، خیابانها که توانایی مالی داشته اند و نخلستانها را پوشانده با پرداخت مبالغ گزاف است. از جانب جلال احمدی به شهرهای دور دست مثل

بقیه در صفحه ۱۵

## گرامی باد خاطر شهیدای آبانماه

هرکوجه، هر خیا بان - هر میدان - در سالروز شرح شهادت نام بزرگی جاوید است را فریاد میکند

هر بزرگ نعوم، یاد آور شهادت از جان کدستگانی است که پیشاپیش خلق پرچم مبارزه ای خویش را برافراشتند و در راه پیروزی آرمان کارگران و زحمتکش از فدا کردن جان خویش دریغ نکردند. اینان که عشقشان به ستم دیدگان پایدانی بدست، پایمردی شان را در زیر شکنجه درخیمان و در برابر گلوله های مزدوران امپریالیسم نشان دادند و ثابت کردند که فدائیان خلق بر بیمان خونین خویش با کارگران و زحمتکش، استوار ایستاده اند و در این راه ترده در دلشان جانی ندارد. یاد این رفقا بامی آموزد هرگز به تسلیم و سازش تن ندهیم و مزد در راه پیروزی آرمان کارگران و زحمتکشان کام نگذاریم.

### ★ فدائی خلق رفیق رحیم خدادادی

در سال ۱۳۲۹ در سراب متولد شد. اوضاع تحصیل به کار در مزارع و کوره های آجر پزی پرداخت. در سال ۴۹ با چند تن از رفقایش گروهی تشکیل داد و در همین رابطه، در سال ۵۰ دستگیر و به یک سال و نیم زندان محکوم شد. پس از آزادی در پیلم متوسطه اش را گرفت و به سر بازی رفت ولی سه ماه پس از آغاز سر بازی، به زندگی مخفی روی آورد. نا اینکه در ششم آبانماه ۵۵ در برخورد مسلحانه با مزدوران پلیس و ساواک، در خیا بان نواب تهران شهادت رسید و زندگیش را که از کودکی با رنج و کار همراه بود، در راه خلق فدا کرد. یادش گرامی باد.

### ★ فدائی خلق رفیق محمد رضا چمنی

در سال ۱۳۲۴ در اراک متولد شد. او تحصیلاتش را در دانشگاه پلی تکنیک در رشته مکانیک بپایان رساند و برای بدست آوردن تجربه برای اینکه پلیس نتواند او را شناسائی کند در جاهای مختلفی چون کارخانه ماشین سازی اراک - کارخانه دوب آهن و شرکت نفت بکار پرداخت. وی در روز نهم آبانماه ۵۳ در پالایشگاه آبادان دستگیر شد و پس از تحمل وحشیانه ترین شکنجه ها، در حالی که دنده های شکسته، ریه های سوراخ شده، کلیه های از کار افتاده و معده اش دچار خونریزی شده بود بوسیله آمبول هوادری بیمارستان چندیناپور، بدست مزدوران ساواک شهادت رسید.

### ★ فدائی خلق رفیق علی دبیری فرد

در سال ۱۳۲۷ در تبریز متولد شد. او در سال ۴۶ به دانشکده فنی دانشگاه تهران راه یافت و در سال ۵۰ در رابطه با مبارزات دانشجویی دستگیر شد و سپس به سر بازی فرستاده شد. رفیق در سال ۵۲ دوباره دستگیر و به یک سال زندان محکوم شد. در سال ۵۴ به زندگی مخفی روی آورد و درسی ام آبان همان سال ضمن یک درگیری نابرابر با مزدوران ساواک شاه شهادت رسید.

### ★ فدائی خلق رفیق شاهرخ هدایتی

رفیق شاهرخ در مهرماه ۵۰ در جنگال مزدوران ساواک اسیر شد و پس از تحمل شکنجه های بسیار که منجر به کور شدن او گردید در زیر شکنجه شهادت رسید.

### ★ فدائی خلق رفیق عبدالحسین براتی

رفیق دانشجوی سال چهارم اقتصاد دانشگاه تهران بود. وی در تاریخ ۱۳۰ مهرماه ۵۰ در درگیری با مزدوران ساواک شهادت رسید و جان خویش را در راه آرمان مقدسش - پیروزی طبقه کارگر - فدا کرد. یاد این شهید را گرامی میداریم و ایما نشان را به پیروزی کارگران و زحمتکشان میستائیم.

### ★ فدائی خلق رفیق مصطفی شمس الدین

ستونیکه از بنه در تاریخ ۱۴/۵/۵۹ بیست و سه سالگی شروع بحرکت کرد - سرانجام پس از مدتها درگیری با تلفات بسیار در هفته آخر شهریور وارد سردست شد. این ستون در تاریخ ۱۸/۵/۵۹ در دارساون توسط پیشمرگان قهرمان کرد منوقف شد. این ستون در مسیر خود تحت عنوان بازسازی بسیجی از دهکده های اطراف دارساون را سوزاند و با خاک یکسان کرد. در جریان این درگیریها ۲ نفر از پیشمرگان فدائی بنامهای کاک قاسم معروفی و کاک ابوبکر آرمان شهید شدند. همچنین رفیق مصطفی شمس الدین در جریان ماموریتی که در رابطه با این ستون داشت پس از برگشت به بوکان در اثر تصادف در دهکده فوتیل شهید شد جسدا این رفیق در حضور خانواده او و نمایندگان سازمان در قبرستان خانقاه در اطراف مهاباد با خاک سپرده شد. یادش گرامی باد.

همچنین در جریان درگیری با این ستون ۴ پیشمرگ کومولف یک پیشمرگ دموکرات - یک پیشمرگ وحدت انقلابی و ۲ پیشمرگ چریکهای فدائی خلق ایران شهید شدند. یاد همه این شهیدان گرامی باد.

ضمنا لازم به توضیح است که در مطلب مربوط به شهدای مهرماه، در مورد نحوه شهادت این رفیق اشتباهی رخ داده بود که بدین وسیله اصلاح میشود.

## نابود باد امپریالیسم جهانی بسرگردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه داخلیش